

شور انقلابی خلق قهرمان ما برای مقابله با دشمنان جمهوری اسلامی ایران، بزرگترین و ثقیقه تأمین پیروزی سریع است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۳
چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۳۰ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

• ما خود را در نگرانی‌های
آیت‌الله منتظری و دیگر
مقامات مسئول درباره
پی آمدهای ناشی از
طولانی شدن جنگ
شریک می‌دانیم

• چرا حزب توده ایران
نظر خود را درباره برخی
از شخصیت‌ها تغییر داده
است؟
صفحه ۶

امام خمینی: امیدوارم خبر پیروزی نهایی را بزودی دریافت دارم

«امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ پیام رئیس جمهوری در مورد شروع پیروزمندانه عملیات تهاجمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پیامی فرستادند. امام خمینی در پیام خود خواستار هماهنگی، انسجام و پشتکار بقیه در صفحه ۲»

آیت‌الله منتظری:

این هجوم دلاورانه نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی است

صفحه ۲

از روز جمعه ۱۵ دیماه

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، تهاجم گسترده‌تر و پیروزمند خود را علیه نیروهای تجاوزگر صدام آغاز کردند

در پاره تشنج و درگیری اخیر در گیلان
ضد انقلاب آب را گل آلود
می‌کند!

صفحه ۷



۱- هشیار کن

«آمریکا نیروهای ویژه‌ای را آماده کرده، تا در شرایط خاص وارد عمل کند و چون این سه‌جزیره در داخل تنگه هرمز قرار دارد و خطرناک است، ما به همه کشورهای منطقه اخطار می‌کنیم، مراقب بازی ابرقدرت آمریکا باشند.»

(بیزادنبوی - اول دی ۱۳۵۹ - نقل از صبح آزادگان)
«این ضربتی که آمریکا دم از آن می‌زند، این است که در يك نقطه نیرو پیاده کند یا جزایر را بگیرد و از آن طریق راه کشتیرانی را بروی مابیند و یا یکی از شهرهای ما را بمباران کند.»

(جلال‌الدین فارسی - ۷ دیماه ۱۳۵۹)

۲- خواب کن

«بعضی از مسند نشینان که به گفته‌های امام ایمان ندارند، احياناً به ترس از آمریکا دچار شده‌اند و بدین گمان باطل اند که آمریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند... و این خیال باطلی است، زیرا آمریکا قادر به حمله نظامی به ایران نیست.»

(میزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

★ حمله متقابل دشمن دفع شد.
★ در نخستین حملات پیروزمندانه ۲۰۰ تن از تجاوزگران صدامی کشته شدند و بیش از ۱۰۰۰ نفر به اسارت درآمدند
بقیه در صفحه ۷

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های جنوب، از روز ۱۵ دیماه ۵۹ نخستین دور عملیات تهاجمی پیروزمند خود را علیه دشمن متجاوز آغاز کردند. در این نبرد رزمندگان جمهوری اسلامی ایران، با هماهنگی کامل، ضربات کوبنده‌ای بر تجاوزگران صدامی کوبیدند.
بقیه در صفحه ۷

حجت‌الاسلام خامنه‌ای:

حمله‌ای که شد، بایستی حتماً ادامه پیدا کند

(۱۵ دی) شده که البته بایستی حتماً ادامه پیدا کند، وضعیت صحنه را بکلی دگرگون می‌کند. تاکنون هم از مدتی پیش به این طرف، شاید از حدود یکماه و نیم پیش به این طرف، دشمن در مواضع تهاجمی مناسب قرار یافته در صفحه ۷

نمکن تأکید بر هماهنگی کامل نیروهای مسلح انقلاب در عملیات خاطر نشان کرد که: «حمله‌ای که شد بایستی حتماً ادامه پیدا کند» حجت‌الاسلام خامنه‌ای در این مصاحبه از جمله گفت: «به نظر من حمله‌ای که امروز

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، نماینده امام در شورای عالی دفاع و امام جمعه تهران، که از نخستین ساعات شروع عملیات تهاجمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه حضور داشت، در مصاحبه‌ای، با خبرنگار صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران،

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی در مراسم ۲۸ صفر در قزوین:

آمریکادشمن اصلی انقلاب ایران است

مردم قزوین: ما در جنگیم با شیطان، چه با کارتر چه ریگان.

صفحه ۷

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی:

امید که در روزهای آینده شاهد مراحل نهایی شکست و طرد متجاوزان مزدور باشیم
صفحه ۷

معضل بزرگ زندگی توده‌ها

صفحه ۲



برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

فعالیت عوامل مشکوک در دانشگاه صنعتی شریف برای برپا کردن اعتصاب

در این میان گروهی از عناصر مشکوک می‌کوشند که اساتید این دانشگاه را به بهانه اعتراض به فعالیت‌های این شورا و همچنین طرح این مسئله که فعالیت این شورا بدون مشارکت تمامی اساتید است، آنها را به راهپیمایی و تحصن بکشانند.

ما هشدار می‌دهیم: در شرایطی که ایران در حال نبردی سرفروخته‌ساز با دشمن اصلی خود، امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است، عناصر مشکوک، ضدانقلابی، لیبرال و مائوئیست می‌کوشند که یک اعتراض سراسری را علیه جمهوری اسلامی ایران، زیر پوشش «دفاع از بازگشایی دانشگاهها» و انحلال شوراهای جهاد دانشگاهها، سازمان دهند. مسلماً اساتید مسئول اختلافات خود را از طریق مذاکره با مسئولین امور در دانشگاهها حل خواهند کرد و با هشیاری تمام از اقتادن در دام گروهک‌های ضدانقلابی احتراز خواهند نمود. ما از مسئولین امر در دانشگاههای ایران و بخصوص دانشگاه صنعتی شریف می‌طلبیم که از طریق مذاکره با اساتید این دانشگاهها و توجه به خواستههای بحق و منطقی آنها، زمینه فعالیت گروههای ضدانقلابی را از بین ببرند.

عوامل مشکوک در دانشگاه صنعتی شریف، محیط آرام این دانشگاه را به محیطی مملو از تفرقه و تشنج و درگیری تبدیل کرده‌اند. این عناصر که در میان آنها برآحتی می‌توان طیف ضد-انقلاب، لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها را مشاهده کرد، به بهانه «بازگشایی دانشگاهها» و اعتراض به فعالیت‌های مثبت «شورای جهاد دانشگاهی» این دانشگاه، می‌کوشند یک اعتراض عمومی در این دانشگاه برپا کنند.

به تصمیم «ستاد انقلاب فرهنگی»، ستادهایی بنام «شورای جهاد سازندگی دانشگاهها» در سراسر دانشگاههای ایران تشکیل شده است. این ستادها با استفاده از امکانات علمی و فنی دانشگاهها، می‌کوشند امر بازسازی صنایع ملی ایران را سامان دهند. «شورای جهاد دانشگاهی» دانشگاه صنعتی شریف نیز، با استفاده از امکانات این مرکز، توانسته است اقدامات مثبتی مانند ساختن ۳۰ کوره آجرپزی در سطح کشور، تعمیر رادارهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، بکار انداختن کارخانه تولیدات سزبوردیک و... به مورد اجرا بگذارد.

پیام سازمان جوانان توده ایران به «اتحادیه جوانان برای نجات کامپوچیا» به مناسبت:

دومین سالگرد پیروزی مردم و جوانان کامپوچیا

در ۷ ژانویه ۱۹۸۱ (۱۷ دی ۱۳۵۹) مردم کامپوچیا دومین سالگرد پیروزی بر رژیم جنایتکار پوپلت - نیکساری را گرامی می‌دارند. بدین مناسبت سازمان جوانان توده ایران پیامی خطاب به «اتحادیه جوانان برای نجات کامپوچیا» ارسال داشت. متن این پیام چنین است:

رفقای گرامی! سازمان جوانان توده ایران، دومین سالگرد پیروزی مردم و جوانان کامپوچیا بر رژیم جنایتکار و دست‌نشانده پل‌ت-نیکساری را صمیمانه تبریک می‌گوید.

رژیم پل‌ت-نیکساری، که از سوی رهبری مائوئیستی و توسعه‌طلب پکن حمایت می‌شد، در دوران حکومت خود بزرگترین فیاج را علیه خلق کامپوچیا مرتکب شد و میلیونها جوان کامپوچایی را به قتل رسانید و مدارس و دانشگاهها را به ویرانه تبدیل ساخت. مردم و جوانان قهرمان کامپوچیا علیه این رژیم جنایتکار و ددمنش بپا خاستند، با قیام پیروزمند خود آن را سرنگون کردند و حاکمیت واقعی زحمتکشان را بر کامپوچیا مستقر ساختند.

ولی رژیم توسعه‌طلب چین و مزدوران آن، از توطئه علیه مردم کامپوچیا دست برنداشتند و به تحریک و تجاوز علیه کامپوچیا با انگیزه‌های امپریالیسم می‌دهند. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، نیز به انحاء گوناگون می‌کوشد تا مبارزه عادلانه مردم و جوانان کامپوچیا به خاطر ساختمان کومپوچیا نوین را تخطئه کند و وقیحانه - در کنار مائوئیست‌های پکن - از دارودسته جنایتکار پل‌ت حمایت می‌کند.

رفقای گرامی! مردم و جوانان ایران، اکنون حساسترین لحظات تاریخ کهنسال خویش را می‌گذرانند. انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران در بهمن ۱۳۵۷، به رهبری امام خمینی، یکی از نیرومندترین پایگاه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را سرنگون ساخت و مرحله‌ای نوین از حیات مردم و جوانان ایران آغاز گردید. امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، از هیچ توطئه‌ای فروگذار نکرد. محاصره اقتصادی، جنگ تبلیغاتی، خرابکاری در موسسات صنعتی، تحریک و آشوب‌گری در نواحی مرزی، اقدامات تروریستی، تدارک کودتای نظامی و تجاوز آشکار نظامی، از جمله شیوه‌هایی هستند که امپریالیسم آمریکا به یاری دیگر کشورهای امپریالیستی و ارتجاع منطقه علیه انقلاب ایران به کار برده است.

امپریالیسم آمریکا در ادامه توطئه‌های خود، رژیم جنایتکار صدام را به تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران تحریک نموده و اکنون ماه‌هاست که ارتش تجاوزگر صدام، با حمایت ارتجاع منطقه و امپریالیسم، جنگ تجاوزکارانه علیه ایران انقلابی را آغاز کرده است. در چنین شرایطی، مردم و جوانان ایران عزم راسخ دارند که مبارزه عادلانه خود علیه تجاوز امپریالیسم و ارتجاع منطقه را تا پیروزی نهایی ادامه دهند.

سازمان جوانان توده ایران در دومین سالگرد پیروزی خلق کامپوچیا، حمایت و همبستگی قاطع خود را با مبارزه عادلانه آنان به خاطر ساختمان کامپوچیا نو اعلام می‌دارد و توطئه‌های امپریالیسم و رهبری مائوئیستی پکن را علیه کامپوچیا انقلابی محکوم می‌کند. زنده باد همبستگی بین‌المللی جوانان علیه امپریالیسم، توسعه‌طلبی و ارتجاع!

با درودهای فراوان سازمان جوانان توده ایران ۱۶/۱۰/۵۹

امام خمینی... یقین از صفحه ۱

نیروهای انقلاب در نبرد شدند و از تمام نیروهای رزمنده انقلاب در جبهه‌ها تقدیر کردند.

در بخشی از این پیام آمده است:

«خبر پیروزی چشمگیر قوای مسلح اسلام با هماهنگی بی‌سبب رزمندگان عزیزموردتقدیر و تشکر گردید. سلام و تقدیر اینجانب را به فرماندهان محترم و سران عزیز و سربازان و پاسداران معظم اسلام ابلاغ نمائید. انتظار دارم که با پشتکار و هماهنگی و انسجام همه رزمندگان محبوب قبل از انقلاب نشان می‌دهد که عملکرد بخش خصوصی در تجارت خارجی جز غارت و چپاول و انداختن ثروت به زبان جامعه نبوده است. بنابراین هر روز که در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی تأخیر شود، فرصتی است برای این غارتگران تا بحساب فقر مردمی که تمام حیات و هستی خود را برآه انقلاب گذارده‌اند، مال-اندوزی کنند.

صرف نظر از ضرورت ملی کردن بازرگانی خارجی، ایجاد نظام توزیع دولتی و تعاونی نیز اقدام مکمل و لازمی است در جهت قطع دست بازرگانان بزرگ، محترمان و واسطه‌ها از معیشت عمومی. اگر بازرگانی خارجی در دست دولت قرار گیرد، ولی توزیع کالا در دست تجار بزرگ و واسطه‌ها بماند، این قشر غارتگر نبض بازار را در دست خواهد گرفت و گرانی و کمبود مصنوعی بوجود خواهد آورد. با آنکه ایجاد نظام توزیع دولتی و تعاونی در اساس جزء لاینفک ملی کردن بازرگانی خارجی نیست، ولی چنان با آن آمیخته است که اولی بدون دومی اثرات مفیدش را در اقتصاد کشور از دست خواهد داد.

توجه مجلس شورای اسلامی به ضرورت ملی کردن بازرگانی خارجی و وظیفه‌ای که در برابر دولت قرار گرفته است، میسر این معناست که در زمانی نزدیک این مشکل به فرجام رسد. ولی هم‌اکنون نیز دولت موظف به اقدامات کوتاه‌مدتی است که نه تنها جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد، بلکه آنها را تقلیل دهد. در این زمینه دولت وظیفه دارد که شبکه‌های خرابکاری محترمان و گرانفروشان را سرعت کشف کند و آنها را بعنوان عناصر ضدانقلابی به کیفر برساند. اگر سرمایه چند سرمایه‌دار و محترمان بزرگ بلافاصله از سوی دادگاههای انقلاب مصادره شود، این اثر را خواهد داشت که سایر محترمان و بازرگانان عمده حداقل ترکانزی نکنند. اقدام دیگر دولت باید در جهت گسترش فروشگاههای دولتی و شبکه تعاونیهای توزیع باشد، تا زحمتکشان کالاهای ضرور خود را به بهای عادلانه از این طریق تهیه کنند. ایجاد شبکه تعاونیهای خرید-موصول از دهقانان نیز موجب خواهد شد که از خرید محصولات دهقانان بوسیله واسطه‌ها جلوگیری شود، هم دهقانان زحمتکش دستریج خود را به ثمن بخش فروشند و هم کالاهای کشاورزی با قیمت مناسب در دسترس مصرف‌کننده شهری قرار گیرد.

نظارت دولت بر تولید صنایع داخلی از دیگر اقداماتی است که میتواند در تقلیل و تثبیت قیمت‌ها موثر افتد. اکنون که ۷۰ درصد صنایع از شمول بخش خصوصی خارج و به مالکیت دولت درآمده است، نظارت دولتی بر تولید صدی ۲۰ باقیمانده کار چندان دشواری نیست. میتوان با محاسبه بهای تمام شده و سود فروش، کالا را قیمت‌گذاری کرد و به بازار فرستاد و تخلف از بهای دولتی را، از سوی هر کس و هر مقامی که انجام شود، بشدت مورد مجازات قرار داد. گرانی به معضل بزرگ زندگی توده بدل شده است. باید در کوتاهترین زمان در حل آن کوشید.

در کوتاهترین زمان در حل آن کوشید.

آیت‌الله منتظری: این هجوم دلارانه نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی است

آیت‌الله منتظری به دنبال پیروزی مرحله اول تهاجم نیرو-های مسلح جمهوری اسلامی ایران، خطاب به رئیس‌جمهوری پیامی فرستادند. آیت‌الله منتظری در پیام خود، ضمن تقدیر از تمامی رزمندگان انقلاب، ام از ارتش، سپاه پاسداران، بسیج و مرزداران غیور وطن، تأکید کردند: «این هجوم دلارانه، نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی نیروهای مسلح اسلام می‌باشد». آیت‌الله منتظری همچنین خاطر نشان کردند: «امید است، همانطور که امام، مدظله، فرمودند، این حرکت ادامه یافته و پیروزی نهایی را بدنبال داشته باشد».

گرانی، معضل بزرگ زندگی توده‌هاست

* با تسریع و اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی و ایجاد شبکه دولتی و تعاونی توزیع میتوان این معضل را حل کرد

بازرگانان بزرگ همچنان سلسله خود را بر شبکه توزیع داخلی حفظ کرده‌اند، هم «مرکز تهیه و توزیع کالا» در دست آنهاست و توزیع ۷۰ درصد کالاهای وارداتی را در اختیار دارند، و هم در شرایط حاضر، واردات صدها قلم کالای مورد نیاز عموم در انحصارشان است. بدینجهت نه تنها قیمت‌ها پایین نمی‌آید، بلکه این بازرگانان عمده و واسطه‌ها، بمیل خو و به تبع آزمندی خود، بازار مصرف را می‌چرخانند و کنترل خود را بر قیمت‌ها اعمال میکنند. شبکه توزیع بخشی خصوصی، که بنا بر سنت از واردکننده، پیکدار و مغازه‌دار تشکیل میشود، کالای وارداتی را چندین دست میگرداند، و تا به دست مصرف‌کننده برسد، بهای کالا چند برابر میشود. واردکنندگان که بازرگانان بزرگ هستند، اغلب به ۲ تا ۳ برابر سود هم قانع نیستند، واسطه‌ها، که در جریان تولید و توزیع فقط نقش افزایش قیمت‌ها را برعهده دارند، گاه به ۳ تا ۴ دست می‌رسند، که هر کدام سودی معادل ۲۵ تا ۳۵ درصد برای خود در نظر میگیرند، و بدینسان مصرف‌کننده، کالای مورد نیاز خود را به بهایی میخرد که چند برابر قیمت اصلی است.

این مصرف‌کننده کیست؟ بطور عمده توده مستضعفی، که کارگر است، درآمد ناچیز ثابتی دارد؛ اگر روستایی است، درآمد صدی هشتاد آنان از ۶۰ هزار تومان در سال متجاوز نیست؛ اگر کارمند عادی دولت است که جز درآمد ماهانه چند هزار تومانی ثابت، یک ستاره هم در آسمان ندارد، و این صعود قیمت‌ها، زندگی این خیل عظیم را چنان به پریشانی کشیده که در کار معاش روزانه خود درمانده‌اند. قیمت‌ها نه تنها ماه به ماه و هفته به هفته، بلکه گاه روز بروز و ساعت بساعت در حال ترقی است، و مردم نگران و مشوش که چه باید کرد؟

اقدام دولت در سهمیه‌بندی ۶۰۵ قلم کالا، اقدامی است درست و بسود آفتاب زحمتکش. ولی توقع این بود که این اقدام سرعت به سایر کالاهای مورد نیاز عموم تسری یابد، زیرا در شرایط حاضر، اگرچه مردم محروم، قند و شکر و روغن نباتی را به بهای دولتی دریافت میکنند، ولی قدرت خرید گوشت کیلویی ۴۵ تا ۶۵ تومان، برنج کیلویی ۲۴ تومان، حبوبات کیلویی ۲۰ تومان و پنیر کیلویی ۲۰ تا ۳۲ تومان را ندارند و نتیجه آن میشود که نتوانند معاش روزانه خود را سر و سامان بخشند. صرف نظر از مواد غذایی، سایر کالاهای نیز بنحو تعجب‌آوری گران است. معیشت عمومی تنها خوراک نیست که بسیاری از اقلام آن همچنان گران عرضه میشود، بلکه پوشاک هم هست، لوازم خانه هم هست، وسایل تحصیل فرزندان خانواده هم هست. وقتی بخاری ۲۰۰ تومانی به بهای ۷۰۰ تومان به فروش میرسد و برای یک دترچه چند برگی باید ۶۰۵ تومان پول پرداخت و بهای قماش و پوشاک دوخته، سر بفلک زده است، میتوان حال و روز یک خانواده زحمتکش ۶۰۵ نفری را دریافت.

نخستین و مهمترین اقدام برای جلوگیری از گرانی، چنانکه بارها نوشته‌ایم، ملی کردن بازرگانی خارجی و کوتاه کردن دست بخش خصوصی از این عرصه غارتگری است. رویدادهای انقلاب، دشواریهای بعد از پیروزی در بخش صنایع و کشاورزی و سپس جنگ تحمیلی ما را ناگزیر ساخته است که بخش عظیمی از نیازمندیهای خود را از خارج وارد کنیم، بخش خصوصی، یعنی سرمایه‌داران بزرگی که سرمایه‌های خود را در رشته پرسود بازرگانی بکار انداخته‌اند، در قبال جامعه و هموطنان زحمتکش خود، برای خود قصد و وظیفه‌ای نمی‌شناسند. آنان تنها به سودهای کلان خود می‌اندیشند و این سود، هنگفت را با گرانفروشی و احتکار، از جیب کارگر و دهقان و کارمند و پیشه‌ور بیرون میکشند. بازرگانان عمده و سرمایه‌داران وابسته بدرستی عرصه بازرگانی را چنان پرسود یافته‌اند، که در سال ۵۹، تعداد کارت‌های بازرگانی به چند برابر رسیده است و سرمایه‌هایی که قبلاً رو به سوی زمین‌خواری و ساختمان داشت، زمانی که این بازار را بی رونق دید، به عرصه بازرگانی هجوم آورد. متأسفانه تملک و تسامح در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و ملی کردن بازرگانی خارجی، به این قشر انکمل و مفتخواره فرصت داده است تا سرمایه‌های خود را در این دو سال پس از انقلاب بحساب زحمتکشان چندین برابر کنند. نه تنها تجربه دوساله پس از انقلاب، بلکه تجارب ۵۰ ساله

سرچشمه اشتباهات

حال ببینیم که علت اشتباهات و ناآرامی‌های لهستان چیست؟ واقعیت اینست که، تنها یک علت وجود ندارد. هر یک از علل این رویدادها بخودی خود نمی‌توانست به انفجار بیانجامد. آنچه که این انفجار را برانگیخت ترکیب - و یا همگرایی - عوامل گوناگون بود. این عوامل بیشتر خانگی است، اما پاره‌ای از انگیزه‌های خارجی را نیز نباید از یاد برد. گرچه مسلم است که نیروهای ضدانقلاب خارجی هم در این جریان دست داشته‌اند، ولی عوامل داخلی دارای نقش عمده بوده است.

کاستی‌ها و اشتباهات محصول سوءنیت نیست. در واقع، اشتباهات رهبری لهستان از کمال حسن‌نیت سرچشمه می‌گیرد. غالب است که این کاستی‌ها در پاره‌ای از دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز در گذشته پدید آمده است.

نیت رهبری لهستان این بوده و هست که هرچه سریع‌تر اقتصاد و صنعتی مدرن را پایه‌گذارد و از این راه در راه افزایش سطح زندگی و رفاه همگان گام بردارد. چنین نیتی نه تنها سوء نیست، بلکه ستایش‌انگیز است. در واقع، والاترین هدف و آماج غایی هر جامعه سوسیالیستی و حزب کمونیست هم همین است.

از سوی دیگر، چنین هدف، سیاست و عملکردی نباید کوشش کند که از روی مراحل واقعیت بجهت و آنچه را که از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی واقع‌بینانه و ممکن نمی‌نماید، نادیده بگذارد. مهم نیست که نیت تا چه اندازه خیراندیشانه بوده است، وقتی که پیش‌برد آنها به بی‌ثباتی و عدم توازن بیانجامد.

هنگامی که عوامل ذهنی سر واقعات عینی غالب شوند، پیامدی جز عدم توازن نخواهند داشت. روش غیرواقع‌بینانه در لهستان سبب شد که میان خواست‌های شتابان و توقعات فرآینده کارگران و مردم و توانایی گنجایش تولیدی جامعه برای برآوردن آنها، عدم توازن پدید آید. در نتیجه میان برنامه‌ها، طرح‌ها و تصمیمات اقتصادی و توانایی اقتصاد برای پیشبرد آنها شکاف ایجاد شد.

میان تسریع رشد اقتصادی و نو سازی لجام گسیخته صنعتی از یکسو، و منابع و وجوه توانایی پایه اقتصادی علمی و تکنولوژیک لازم برای پیشبرد این امر از سوی دیگر، عدم توازن پدیدار گردید. حال ببینیم شکل شخص این عدم توازن در لهستان چگونه بود؟

بویژه پس از ۱۹۷۰، رهبری لهستان کوشش فوق‌العاده‌ای برای تسریع روند صنعتی کردن کشور به عمل آورد. این کوشش به‌طور عمده بر پایه وام‌های خارجی استوار بود. بهره‌های وام‌هایی که از اتحاد شوروی دریافت می‌شود، بسیار نازل است، درحالی‌که وام‌هایی که از بانک‌های بریتانیای کبیر و فرانسه وصول می‌گردد، کوتاه مدت و همراه با بهره‌ای بس هنگفت‌تر است.

مجموع دیون لهستان به کشورهای سرمایه‌داری بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار می‌شود، که بهره سالانه آن ۲ میلیارد دلار بوده است. لهستان بیش از یک سوم درآمد صادراتی خود را صرف برداشت وام‌های گذشته می‌کند. برای اینکه بدانیم بانک‌های سرمایه‌داری به این وام‌ها چگونه می‌نگریستند و از آنها چگونه بهره می‌جستند، بگذارید بخشی از یکی از مقالات چندی پیش "نیویورک تایمز" را برایتان نقل کنم:

"سال گذشته، دولت لهستان در اقدامی فراگیر موافقت کرد که به بانک‌های غربی اطلاعات اقتصادی بیشتر و سریع‌تری بدهد. همچنین قرار شد که برای افزایش اعتماد (این بانک‌ها نسبت به لهستان) جریان پول به آن کشور ادامه یابد

از: گس هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا



در لهستان

سرانجام سوسیالیسم است

که سر به خنده شد!

لهستان تأثیر منفی گذارد. همه این عوامل، با همگرایی خود، به بحران لهستان منجر شدند.

تشویق مادی و

ایدئولوژی سوسیالیستی

تحولات نامبرده بنوبه خود به پیدایش مسائل ناراحت‌کننده دیگری انجامید، که رهبری حزب متحد کارگری لهستان اکنون به بررسی آن‌ها مشغول

شرایط عدم توازن، مدت‌زیادی به‌روند عادی و فعالیت کارآی خود ادامه دهد. میان دستمزد و تولید، وام و تولید باید توازن برقرار باشد. بین تقاضای مصرف‌کننده و عرضه کالاها نمی‌تواند شکاف بوجود آید. باید میان صندوق انباشت، یعنی صندوقی که به پرداخت دیون، گسترش و نو سازی صنعتی، ایجاد موسسات جدید و ذخیره لازم، تخصیص داده میشود از یکسو، و صندوق مصرف، یعنی منابعی که برای تأمین نیازهای مادی و فرهنگی مردم ضرور است از سوی دیگر، توازن وجود داشته باشد.

به سخن دیگر، باید، بر پایه ارزیابی واقع‌بینانه و عینی، راهی یافت که هدف بهبود سطح زندگی امروز را با هدف‌های آینده تلفیق بخشد. لازمست که نیازهای مادی و فرهنگی مردم را، نه تنها در سال مالی جاری، بلکه همچنین در سال‌های آینده برآورده ساخت. بدین ترتیب، در سوسیالیسم، مهم‌ترین هدف تولید اجتماعی باید با وسائل موجود برای پیشبرد آن، وحدت‌ی ارگانیک داشته باشد. باید بیوسه مراقب بود که عوامل ذهنی به شرایط عینی اقتصاد، یعنی شرایطی که مستقل از اراده انسانی وجود دارد، اولویت نیابد. برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی باید بر پایه تحلیل عینی روندها، گرایش‌ها و امکانات رشد و توسعه استوار باشد.

در جامعه سوسیالیستی، برای دستیابی به چنین هدفی، باید توده مردم را در همه سطوح در برنامه‌ریزی، مدیریت و کارهای اجرایی شرکت داد. باید همواره به بحث، مشورت و تبادل نظر پرداخت و بویژه شرکت فعال کارگران را در تصمیم‌گیری‌های کارخانه تضمین کرد. کارگران باید در تصمیمات برنامه‌ریزی مسائل مدیریت، بهبود شرایط کار و زندگی، تخصیص منابع موجود به توسعه تولید و یا مقاصد اجتماعی و فرهنگی و تشویق مالی، سهم عمده داشته باشند. اینست معنای واقعی دموکراسی سوسیالیستی و سائترالیسم دموکراتیک. به گمان ما به این امر در لهستان کمتر توجه شد.

برخی می‌پرسند: چرا مقاصد نیک و کوشش برای حداکثر صنعتی کردن کشور، از واقعیت انحراف یافت. یک دلیل را باید در نقایص برنامه‌ریزی جستجو کرد. دلیل دیگر انتقال آرزوها به برنامه‌ریزی اقتصادی و تصمیماتی بود که با واقعیت مغایرت داشت. به سخن دیگر، امیال ذهنی بر امکانات عینی غلبه یافت. در عین حال، بسیاری از مقاصد نیک و غیر واقع‌بینانه، از احساسات ناسیونالیستی غیرواقع‌بینانه سرچشمه می‌گرفت.

عوامل دیگری که به گرایش‌های منفی در لهستان افزود، عبارتند از: خشکسالی و در نتیجه محصول نازل‌تر از میانگین، مسائل مربوط به ورود مواد خام و غلات و افزایش قیمت‌های این گونه کالاها، قیمت فرآینده‌ای که لهستان از کشورهای "اوبک" خریداری می‌کند. بحران‌های اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری نیز به صادرات

و از این راه بازپرداخت وام‌ها تضمین گردد. نظارت فعالانه‌تر بانک‌ها به آنها فرصت داده است که درخواست خود را درباره تغییر سیاست اقتصادی لهستان تصریح کنند. امی بانک‌ها مدت‌هاست که از سیاست لهستان درباره پرداخت کمک هزینه به تولیدکنندگان خوار وبار ناراضیند و معتقدند که این سیاست، بجای آنکه به افزایش ارزش خارجی کمک کند، مصرف را بالا خواهد برد... امکان دارد که فشار بانک‌های غربی در جریان مذاکرات اخیر بود که لهستانی‌ها را به افزایش قیمت گوشت وادار کرد، و این بنوبه خود به اعتصابات کنونی انجامید."

چنین می‌نماید که انباشت وام به حدی رسید که هرچه بیشتر کارایی خود را از دست داد و درصدد فرآیندهای از وام‌های جدید، صرف بازپرداخت دیون قدیم می‌شد. لهستان بخش اعظم این وام‌ها را برای ورود غلات و دیگر فرآورده‌های غذایی، و خرید تجهیزات صنعتی ماشین‌آلات، ابزار یدکی و سایر وسایل تولید صرف می‌کرد. قصد آن بود که از تولید مجتمع‌های فول‌پیکر صنعتی برای بازپرداخت وام‌های نامبرده استفاده شود. اما هنگامی که موعد بازپرداخت این دیون می‌رسید بسیاری از کارخانه‌ها هنوز تولید خود را آغاز نکرده بودند.

در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۰، سرمایه‌گذاری لهستان در کارخانه‌ها و ماشین‌آلات دو برابر و نیم شد. اکنون کاملاً مسلم گردیده است که چنین آهنگ سریع توسعه، پاسخگوی واقعات و امکانات و توان راستین لهستان نبوده است.

یکی از تدابیری که دولت لهستان برای بهبود وضع اندیشید، قطع کمک هزینه‌ای بود که دولت به تولیدکنندگان گوشت می‌پرداخت. این باعث شد که قیمت مصرفی بالا رود و به یکی از عوامل تحریک اعتصاب تبدیل گردد.

در حالی‌که در مدت ده سال، دستمزد کارگران لهستان ۱۰۹ درصد بالا رفت، بازآوری کار آنها تنها ۵۸ درصد افزایش یافت. گرچه افزایش بازآوری به میزان ۵۸ درصد به راستی درخشان بود، لیکن نمی‌توانست افزایش دستمزدها را به مقدار ۱۰۹ درصد تأمین و توجیه کند. از سوی دیگر، افزایش دستمزدها از افزایش عرضه کالاها در بازار پیشی گرفته بود. البته، در این زمینه نیز حسن نیت انگیزنده تصمیم‌گیری بود. هدف از افزایش دستمزدها انگیزش مادی بوده است. جامعه سوسیالیستی به ترکیب مناسبی از تشویق مادی و معنوی نیاز فراوان دارد. با تحول شخصیت سوسیالیستی، تشویق معنوی اهمیت فرآیندهای می‌یابد.

توازن میان

عوامل عینی و ذهنی

ایک به ثبوت رسیده است که اقتصاد سوسیالیستی نمیتواند در چنین

ساختار قدرت و دستگاه حکومت باشند. این است روند گسترش پایگاه توده‌ای دموکراسی سوسیالیستی. چنین می‌نماید که در این گستره کاستی‌های در لهستان بوده است. هنگامی که بر روی انگیزش مادی بیش از اندازه تصریح شود و در مبارزه ایدئولوژیک غفلت پیش آید، چیزی جز واپس ماندگی آگاهی سوسیالیستی نمی‌توان انتظار داشت.

مردم باید درک کامل و عمیق از دشواری‌ها و مسائل و چگونگی پیدایش آن‌ها داشته باشند. آنها باید مرزهای مراحل مختلف تحول را بشناسند. مردم تنها در چنین شرایطی حاضرند که با جان و دل در راه یافتن راه حل کوشایند.

تحول شخصیت سوسیالیستی، که مبتنی بر آگاهی سوسیالیستی است، تنها در برتو بیگار بیگار، مصرانه و بی‌امان صورت می‌گیرد. البته شیوه زندگی سوسیالیستی و آگاهی سوسیالیستی یک‌شبه شکل نمی‌گیرد. اعمال شیوه جدید زندگی و طرز فکر جدید، بیگاری بیجوده و دیرپا را علیه عادات و سنن قدیم و طرز فکر موروثی گذشته ایجاب می‌کند.

جامعه نو نظام اجتماعی-اقتصادی جدید، که بر اساس مالکیت همگانی و مناسبات اجتماعی ناشی از آن استوار است و تضاد آشتی‌ناپذیر میان طبقات مخالف را از میان می‌برد - پایه عینی آگاهی سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد. این نظام پیدایش



گس هال (دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا) و آنجلادویوس (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا)

اندیشه‌های نو و مناسبات جدید سوسیالیستی را برمی‌انگیزد.

سوسیالیسم برخوردارهای نوینی را درباره کار، اندیشه‌ها و هدف‌های اخلاقی بی‌می‌ریزد. لیکن این پدیده تنها در برتو نردیگر و همه جانبه تحول می‌یابد.

این واقعیت که در حدود ۷۰ درصد کشاورزی لهستان هنوز خصوصی است، نه تنها تولید کشاورزی را محدود می‌کند، بلکه همچنین سدی است در راه تحول شخصیت سوسیالیستی.

بدیهی است که انگیزش مادی، بدون مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، مانع عظیمی است در راه گذار به کشاورزی تعاونی و دولتی، که تنها راه نو سازی کشاورزی سوسیالیستی در مقیاس بزرگ را تشکیل می‌دهد. غفلت در گستره ایدئولوژیک خلاصی پدید می‌آورد که بلافاصله ایدئولوژی‌های دیگر را به برکردن آن تشویق و زمین را برای نوع‌انسان ضد سوسیالیستی آماده می‌کند.

در لهستان، کلیسای کاتولیک نه تنها نیروی مذهبی، بلکه همچنین نیروی ایدئولوژیک است. بدون مبارزه‌ای آگاهانه نمی‌توان با نفوذ ایدئولوژیک کلیسا به مقابله برخاست. این بیان که حزب، در لهستان باید بار دیگر در راه برقراری مناسبات اعتمادآمیز میان مردم و حزب متحد کارگری لهستان بکوشد، انتقادی است بس‌جدی، که حزب برادر در لهستان از خود کرده است. البته باید این سؤال مهم را مطرح ساخت که: اصلاً چرا مردم اعتماد

است. مسائل نامبرده از جمله تکیه بیش از اندازه به تشویق مادی و خود بویی ایدئولوژیک را در بر می‌گیرد. درست است که سیستم اقتصادی سوسیالیسم پایه مادی طرز تفکر مردم را می‌آفریند. ولی تفکر سوسیالیستی نمی‌تواند خودبویا باشد. از سویی دیگر، واضح است که ایدئولوژی، و یا در اینجا آگاهی سوسیالیستی، همواره از تحولات اقتصادی واپس می‌ماند.

در دوران ساختمان سوسیالیسم، تشویق مادی ضرورتاً نقشی بس مهم بازی می‌کند. لیکن این عامل نمی‌تواند و نباید جایگزین آموزش پایدار و بیگاری و مبارزه در صحنه‌های سیاسی و ایدئولوژیک زندگی شود. همچنین کافی نیست که به غرور ملی متوسل شد.

تجربه شصت ساله ساختمان سوسیالیسم راستین نشان می‌دهد که پایه‌های روند پی‌ریزی ساختار اقتصادی سوسیالیسم، روندهای دیگری نیز ضرورت دارد. یکی از مهم‌ترین این روندها لزوم مبارزه بیگاری برای جلب هرچه بیشتر مردم به شرکت در برنامه‌ریزی، مدیریت و بویژه در تصمیم‌گیری است.

برای پیشبرد این هدف، باید نقش و مسئولیت سازمان‌های توده‌ای از جمله و بویژه سندیکا‌های کارگری، را گسترش بخشید. مردم باید هرچه بیشتر در روند یافتن راه حل برای همه مسائل زندگی شرکت داده شوند. نه تنها لازمست با مردم بحث، مشورت و تبادل نظر کرد، بلکه آن‌ها را باید در روند تصمیم‌گیری به‌عنوان شریک و جزئی گسست‌ناپذیر به حساب آورد. مردم باید همچنین بخشی از

کارگران و کارکنان سینماهای تهران هم آمادگی خود را برای شرکت در خط مقدم جبهه اعلام می دارند

هستند، ولی از تعداد شهدا خبری ندارم. یک کارگر هم بنام عبدالله، که در سینما فلسطین کار میکرد، الان در جبهه است.

عباس افروزمنش ادامه می دهد:

"کارکنان سینماها هم به اندازه امکانات خود کمک هایی به جنگ زدگان کرده اند. بنظر من سندی که باید اعلام می کردیم، انتشار پیدا کرده و در آن از کارکنان و اعضاء خود بخاطر آنکه در دوره آموزشهای نظامی و کلمه های اولیه شرکت کنند و در ارتباط با سازمان بسیج مستضعفین امکانات لازم را فراهم آورند."

عباس افروزمنش در حالیکه صدایش از تصمیم راسخ، عزم قاطع و شور انقلابی او حکایت می کند، می افزاید:

"تقاطع کامل دست امپریالیسم آمریکایی ایران، یک لحظه هم نباید درنگ کرد و در این راه هر سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شد."

آری، زحمتکشان کشور ما، این توده های بیچاره حاسته ای که طبق گفته امام خمینی، انقلاب متعلق به آن هاست، با هیچ گونه سازشی، سازگاری ندارند و قاطعیت را از زندگی بر رنج خویشی و از رهبران انقلاب آموخته اند:

"هرچه سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شد."

مدیر سینما کریستال می گوید:

"کارکنان این سینما و صاحب آن تا به حال مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰ (دویست هزار ریال) به جنگ زدگان کمک کرده اند و از طرف اتحادیه سینما داران نیز کمک هایی صورت گرفته است و رقم کمک اتحادیه مزبور به جنگ زدگان ۵۱۸۰۰۰۰ (پنج میلیون و صد و هشتاد هزار) ریال بوده است. همچنین کارکنان سینما مولن روز نیز مبلغ ۱۰۰۰۰۰ (صد هزار) ریال کمک فرستاده اند."

به کارکنان سینما و همه زحمتکشان کشورمان درود می فرستیم و به امید پیروزی قطعی و نهائی بر امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا، به مبارزه ادامه می دهیم.

بروز جنگ می گوید:

"این جنگ، یک جنگ تحمیلی است. این جنگ را آمریکا برنا می ریزی کرده است. انتقادی که در این جنگ به رهبران کشور، غیر از امام، ندارم. این است که چرا در این شرایط بسیار هم اختلاف دارند، و دارند بجای حمله به عراق، به همدیگر حمله می کنند و با سرنوشت ۲۵ میلیون نفر بازی می کنند." یکی از کارگران این کارخانه، که دو سال است در این کارخانه کار میکند و در ماه ۲۲۰۰ تومان حقوق می گیرد، در مورد جنگ می گوید:

"صدام حسین نوکر آمریکا شده و به ما حمله کرده است، و آمریکا برای همین مدام به ما و اسلحه می دهد. اگر مردم و دولتی ها با هم متحد باشند، ما می توانیم عراق را شکست دهیم. ماهه ها ضربه جنگیم." یکی از کارگران زن این کارخانه، که ۵ سال سن دارد و دو سال است در این کارخانه کار می کند و کارش بسته بندی داروهاست، در مورد جنگ تحمیلی می گوید:

"عراق خودش به تنهایی نمی توانست این جنگ را راه بیندازد. در این جنگ اصلاً آمریکا است. عراق به خاک ما آمده و مدام غیرنظامی ها را می کشد، و حالا هم می خواهد آتش بس بدهد. با وجود اینکه پسر خودم سرباز است، آتش بس را قبول ندارم. باید عراق شکست بخورد و سرچای خودش پرگردد، تا آتش بس برقرار شود."

در حال حاضر ۵ نفر از کارگران این کارخانه در جبهه های جنگ بسر می برند، تعداد دیگری از کارگران نیز ثبت نام کرده اند، تا به جنگ بروند. و این نشان می دهد که:

کارگران این کارخانه، به عنوان بخشی از طبقه کارگر قهرمان و ورزمنده ایران، در راه انقلاب، چه در عرصه جنگ و چه در عرصه تولید، حاضر به هر گونه فداکاری و جان بازی هستند. بجاست که مسئولین دولتی کارخانه و وزارت کار در رسیدگی به خواست های این کارگران بیشتر کوشند و حقوق مسلم و عصب شده شان را به آنها بازگردانند.

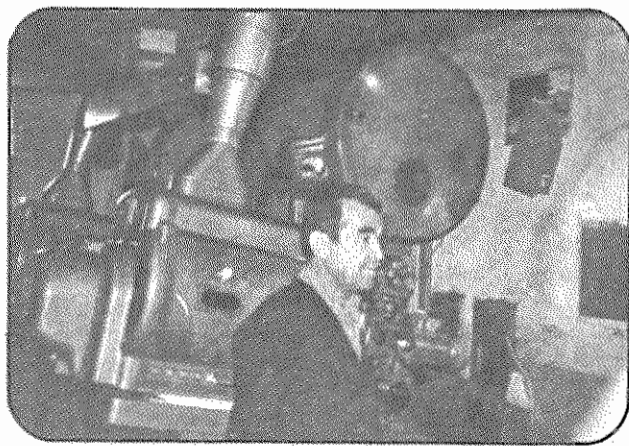
می پرسیم: شما چه کاری می توانید در جنگ انجام دهید؟

میگوید: "در این سینما برای مقابله با شرایط اضطراری من و یکی دیگر از کارگران دوره دفاع غیرنظامی را دیده ایم و برای مقابله با آتش سوزی آموزش دیده ایم. ولی باید این آموزش به همه داده شود."

گذشته از این ما می توانیم در کارهای تبلیغاتی متمرکز باشیم. دولت باید از طریق وزارت فرهنگ و هنر فیلم های ۳۵ میلی متری را چه به انقلاب، جنگ، آموزش جنگ و کلمه های اولیه تهیه کند و در اختیار ما بگذارد، که قبل از

عباس افروزمنش: ... در این راه، هر سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شود. دولت و وزارت فرهنگ و هنر باید فیلم های تبلیغاتی تهیه و در اختیار ما بگذارد، ولی در حال حاضر هیچگونه تبلیغاتی صورت نمی گیرد.

محمد پورتنی: اکثر کارکنان سینماها را با یک دوره فشرده می توان آماده اعزام به جبهه کرد.



آپاراتچی سینما سپیل، با ۲۰ سال سابقه کار و بسا حقوق ماهیانه ۳۰۰۰ تومان:

ادامه انقلاب، تا ناپودی امپریالیسم آمریکا.

میگوید: "من دارای شرایطی نیستم که بتوانم در خط اول جبهه شرکت کنم. از این بابست ناراحت و متاسفم. ولی حاضرم در پشت جبهه، هر کاری که بسودانقلاب باشد، انجام دهم."

عباس افروزمنش، زحمتکشی که بنظر می رسد سابقه کار بیشتر در سینما دارد، نیز با استیاق تمام به سوالات ما پاسخ می دهد.

کارگران کارخانه داروسازی برلیمین:

ما همه حاضر به جنگیم!

این جنگ را آمریکا برنا می ریزی کرده است

کارخانه های دیگر است. تماس همیشگی کارگران این کارخانه با بعضی مواد دارویی برای آنها خطرناک است و برای آنها ضرر دارد. در بعضی کارخانه های دیگر داروسازی به علت این امراضه حقوق بیشتری به کارگران می دهند. ولی در این کارخانه، این کار را انجام نمی شود. با این حال، با وجود اینکه این اواخر، به علت کمبود برق، اضافه کاریها قطع شده و درآمد کارگران نسبت به قبل کمتر شده است، ما زیاده روی اضافه حقوق یا فشاری نمی کنیم و حاضریم فعلاً در کاری بکنیم، چون حال کشورمان در جنگ است.

۳) پاک سازی عواملی که در ارتباط با هیئت مدیره آلمانی قبلی بوده اند و اکنون نقاب زده اند و در کارخانه کارشکنی می کنند. ما برای عملی شدن این خواسته ها هیئت مدیره کارخانه جلساتی داشته ایم و آنها قول داده اند که به این خواست ها رسیدگی کنند."

نماینده کارگران در مورد کارهایی که در ارتباط با جنگ در کارخانه انجام شده، می گوید:

"از طرف این کارخانه تاکنون مقداری دارو به هلال احمر و کمیته های امام داده شده است. خود کارگران هم برای جنگ مقداری پول جمع کردند. چندی قبل هم از سپاه پاسداران خواستیم که بیایند و کارگران را آموزش نظامی بدهند. آنها هم آمدند و در مدت دو هفته سی نفر را آموزش نظامی دادند. ما باز هم از آنها خواستیم که بیایند و تعداد بیشتری از کارگران را آموزش دهند."

نماینده کارگران در مورد چگونگی

کارکنان مستخدمین زحمتکش سینماها نیز مثل سایر زحمتکشان کشور، علیرغم تضییقات و مشکلات فراوان صنفی و باوجود عدم تعادل عمیق منفی میان دخل و خرجشان، و بالاخره علیرغم رنج و شکنجه طاقت فرسای ناشی از یک زندگی فقیرانه سراپا کمبود، یکپارچه شور و درایت هستند، شوری انقلابی و میهن دوستانه و شناخت درست از ذات اهریمنی شیطان بزرگ آمریکا، این سرکرده تالان گران و راهزنان بنه گیتی دارند. این صنف نیز همانند سایر برادران و خواهران میهن دوست خویش، با ایستادگی انقلابی و با تمام توان در جبهه و پشت جبهه ایستاده اند و به دعوت رهبر آری ناپذیر انقلاب، پاسخ مثبت داده اند. و اینک پای صحبت زحمتکشان سینماها:

در توضیحات آقای محمد پورتنی، کنترلچی، راجع به وضع سندیهای کارکنان سینماها، نفرت و انزجار عمیق و آگاهانه یک زحمتکش نسبت به رژیم جنایت پیشه محمدرضای ملعون نهفته است:

"ما قبل از انقلاب هم سندی کار داشتیم، ولی مثل سایر سندیهای دوران طاغوت پهلوسی، کاری برایمان انجام نمیداد. ولی بحمدالله بعد از انقلاب، علاوه بر اینکه در مورد افزایش حقوقمان، اقدامات موثری انجام داده است، ماهیانه مبلغ ۴۸۰۰ ریال حق مسکن برای افراد متاهل و ۲۸۰۰ ریال برای افراد مجرد در نظر گرفته است و خواروبار و حق عائله مندی هم به ما میدهد."

وی به سوال مادر مورد آماجگی کارکنان سینماها برای شرکت در جنگ، چنین پاسخ می دهد:

"اکثر کارکنان سینماها خدمت و وظیفه عمومی را انجام داده اند و بایک آموزش کوتاه مدت و فشرده می توان امکان اعزام آنها به جبهه جنگ را فراهم آورد. ولی تاکنون هیچگونه اقدامی در این مورد انجام نشده، چنانچه از طرف ستاد بسیج مستضعفین، نامبرده اضافه می کند:

"بعضی از کارکنان سینماها حتی بعضی از

کارخانه داروسازی برلیمین ایران (تهران) دارای ۱۵۰ کارگر و کارمندان است، که از ساعت ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر در این کارخانه کار می کنند. تا تیرماه گذشته، این کارخانه در اختیار شرکت شرینگ آلمان فدرال بود و تحت نظارت هیئت مدیره آلمانی اداره می شد. ولی در تیرماه گذشته از طرف وزارت بهداشت و وزارت صنایع و معادن یک هیئت مدیره دولتی برای این کارخانه تعیین شد. کارخانه هنوز مصادره و یا ملی نشده است و از نظر مالکیت بلا تکلیف است.

فرار است که در مجلس شورای اسلامی در مورد وضع مالکیت کل کارخانه های داروسازی کشور، که در حدود ۲۵ شرکت هستند، لایحه ای تصویب شود و وضع مالکیت آنها روشن شود.

مواد اولیه کارخانه های داروسازی کشور، و از جمله این کارخانه، از خارج وارد می شود، زیرا از لحاظ صنعت داروسازی هنوز کشور خودکفا و مستقل نیست. ولی در مورد قطع وابستگی این صنعت به کشورهای امپریالیستی، تاکنون اقداماتی صورت گرفته است، یکی از اعضای هیئت مدیره این کارخانه در این مورد می گوید:

"مواد اولیه این کارخانه را قبلاً از شرکت شرینگ که یک شرکت بزرگ و چند ملیتی بود، می خریدیم. ولی اکنون این شرکت مواد اولیه را به ما بسیار گران می فروخت، منابع دیگری را در کشورهای سوئیس و ایتالیا و کشورهای سوسیالیستی برای خریدن مواد اولیه پیدا کردیم و اکنون ما قسمت اعظم مواد اولیه مورد نیازمان را از این منابع و بسیار ارزانتر می خریم."

وی در مورد میزان تولید کارخانه پس از انقلاب می گوید:

"در این کارخانه، پس از انقلاب، با همکاری کارگران تولید افزایش یافته است. در شرایط کنونی هم میزان تولید داروهای راکه به علت جنگ مصرفشان افزایش یافته و ما می توانیم آنها را تولید کنیم، افزایش داده ایم. با این حال، با شروع جنگ، به علت

گزنطویله منطقه ایست عشا یرنشین، که در یکصد کیلومتری جنوب شرق داراب واقع شده است. وسعت این منطقه هزاران هکتار است، که در قسمت وسیعی از آن سفره آب زیرزمینی آن شور شده است، ولی در عین حال دارای بیش از هزار هکتار زمین مسطح و شیرین و قابل کشت است، که از سفره آب زیرزمینی مناسبی برخوردار است.

در حال حاضر حدود ۳۰۰ خانوار در آن منطقه ساکن هستند، که حدود ۱۵ سال است ساکن یافته اند. حدود ۱۰۰ خانوار دیگر از همین عشا یر در حال آبیاب و ذهاب هستند. محل سکونت آنها را چادرهای عشا یری تشکیل می دهد، آنها فاقد خانه های گلی، مدرسه، درمانگاه، آب شامیدن، حمام و غیره هستند. آنها می گفتند: "در زمان طاغوت ما حتی از این زمینها برای چرای دام هم نمیتوانستیم استفاده کنیم. بجز مساحت کوچکی از این زمینها، که اهالی میگویند زرخیدمان است و دیدم کاری میکنیم، بقیه اراضی هیچوقت کشت نشده است. بجز دو نفر، بقیه بیسواد هستند."

هیئت ۷ نفری واگذاری اراضی، همانطور که در مورد بسیاری از اراضی داراب عمل کرده بود، در گزنطویله نیز بیش از ۵۰ هکتار از اراضی مرغوب آنجا را به نمایندگی همان دو نفر با سواد، به ۳ خانوار ساکن آنجا واگذار کرده است، که با حفر ۷ حلقه چاه و استفاده از وام بانک تعاون کشاورزی به کشت و زرع پرداختند. یک حلقه از این چاهها جهت آب شامیدنی و بهداشت و لوله کشی در نظر گرفته شده است، که پس از شروع کار کشاورزی، برای آنها خانه و مدرسه و دیگر تاسیسات مورد لزوم بهتر ساخته شود. در حال حاضر این چاه حفر و موتور پمپ بروری آن نصب شده است. درگیری مختصری بین این عده ساکن و آن عده که آبیاب و ذهاب میکنند، بر سر تصاحب زمینها، وجود دارد. هیئت ۷ نفری، بنا به وظیفه انقلابی خود،

داراب: اقدامات مفید هیئت ۷ نفری باید قاطعانه ادامه یابد

جمله اقدام کارکنان سه تریب دادن راهیمائی روز دوشنبه ۵۹/۷/۲۱، باعث شد که بطور موقت هیئت ۷ نفری کار انقلابی و مردمی واگذاری زمین را در منطقه داراب تعطیل کند، با توجه به موقعیت کشور و ضرورت ادامه واگذاری اراضی، بخصوص در مورد بعضی از اراضی، که بر سر آن اختلافاتی وجود دارد و رفع اختلافات فقط از عهده هیئت ۷ نفری برمیآید، و با توجه به دستگیری عده ای از زمینداران و انقلابی را، بهیمائی اخیر، هیئت ۷ نفری، چه زودتر باید ادامه کار را شروع کند. در اینجا حتی مانع بند "ج" هم وجود ندارد و عمل قاطع و سریع هیئت ۷ نفری، اقدامی خواهد بود. سودا انقلاب و برای ریشه کنی مراکز فساد و اخلال ضد انقلابی، اقدامی خواهد بود. سودا دهقانان و عشا یر زحمتکش، و از

کار واگذاری برای عده اخیر را نیز شروع کرده و به آنها گفته بود: در صورتیکه قول بدهید ساکن شوید و روی زمینها کار نکنید و این زمینها معطل نماند، زمین بشما واگذار میشود. در غیر این صورت، این زمینها به کسانی داده میشود که روی آن کار کنند. این بیان مختصری است از کار بسیار مفید هیئت در این منطقه عشا یری. زمینهای وسیع و قابل کشت منطقه گزنطویله، که بصورت منابع طبیعی و در مالکیت دولت است، مثل بسیاری از اراضی مشابه دیگر در منطقه داراب، از طرف هیئت ۷ نفری به اهالی منطقه واگذار شده و یا در حال واگذار شدن بود. متأسفانه کارکنانهای بیایبی، که در کار این هیئت شد، و از



لایحه قانونی واگذاری اراضی را تمام و کمال و هر چه زودتر اجرا کنیم و ریشه غده سرطانی بزرگ مالکی را بکنیم

هر چه زودتر زمینهای زراعی را در کردستان به دهقانان بدهید

جمهوری اسلامی ایران کردند. البته هیئت های هفت نفری در شهرستان سنندج و بخش دیواندره تشکیل شده اند و مشغول تحقیق در باره زمینهای فئودالها هستند، اما تاکنون دست به اقدام عملی نزده اند. برای نمونه در روستاهای بلبان آباد و میرآباد و پنیان، واقع در بخش گاوردان منطقه کامیاران، هنوز زمینهای فئودالها دست نخورده باقی مانده است. این روستاها در دست نیروهای انقلاب هستند و از خرابکاری فئودالها و گروهکهای آمریکائیسوا عمل آریا بان بدورانند.

با بد عمل نشان داد که هر جا انقلاب هست، زمین به دهقانان داده میشود و این ضد انقلاب و آریا بان و گروهکهای آمریکائیسوا مستحق کار میشوند. مردم انتظار دارند که هیئت های هفت نفری به وضع فئودالها رسیدگی کنند. اخیراً ایادی فئودالها اطلاعیه های رسمی را در مورد بنده "ج" به آنها قرار داده اند و تبلیغ میکنند که کار واگذاری زمین متوقف شده است و دیگر دهقانان نباید هیچگونه انتظاری از دولت انقلاب داشته باشند. مردم کردستان از مسئولین امور انتظار دارند که با تاکید مجدد بر وجود فعالیت هیئت های هفت نفری و تدوین امر واگذاری زمین، این تبلیغات را خنثی سازند و با عمل مشخص خود، یعنی گرفتن زمینهای فئودالی و واگذاری آنها به دهقانان، پاسخ دندان شکنی بدهند و انقلاب را با پیوستن توده دهقانی به صفوف آن قهرتمند و شکستناپذیر سازند.

کار واگذاری زمین مالکین بزرگ به دهقانان بی زمین و کم زمین یک امر بسیار حیاتی برای انقلاب ایران است. ولی در مورد روستاهای کردستان هنوز اقدام جدی در این زمینه بعمل نیامده است، اگرچه این استان بسیار حساس است و نقش فئودالهای ضد انقلابی و امریکائیسوا در اینجا داغش و درگیری بسیار چشمگیر است. مردم کردستان اطلاع دارند که در شهرستانهای استان کرمانشا، به خصوص سنقر - کلیان، هیئت های هفت نفری زمینهای بزرگ مالکان را بصورت مشاع به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار کرده اند، بنا بر این منتظرند که درباره مناطق کرد نشین مجاور هم این امر تحقق پیدا کند. هیچ دلیلی ندارد که در دو منطقه مجاور، دوسیاست، یکی بنفع دهقانان زحمتکش و دیگری بسود مالکان غارتگر و شوطکس از آلت دست امریکا، اجرا شود.

متأسفانه بعلمت نامنی منطقه وجود ضد انقلابیون مسلح، هیئت های ۷ نفری نمیتوانند به همه روستاها بروند. اقدام ضد انقلابی خیر فئودالها، که گروهی مرکب از اعضای هیئت ۷ نفری و اعضای جهاد سازندگی را دستگیر کردند و گروگان گرفتند. حدت این مسئله را نشان میدهد، اما در مناطقی هم که در اختیار نیروهای انقلاب است، تاکنون در زمینه واگذاری زمین اقدام جدی نشده است. در صورتیکه لازم بوده و هست هر چه زودتر دهقانان با ثمرات انقلاب آنها شوند و با کسب زمین، از دل و جان حامی

روستائیان فخر آباد با وجود مشکلات زیاد، از انقلاب دفاع می کنند

تقسیم کردند و قرار است که چند روز آینده، اسناد رسمی مالکیت زمین را به دهقانان ستمدیده این روستا بدهند. هیئت هفت نفری همچنین در روستای فخر آباد اقدام به تشکیل شورای ده، که دهقانان کم زمین و بی زمین در آن گرد آمدند، کرد. هیئت ۷ نفری از جعفر قلی بزرگتر یکی از اعضای شورای پنج نفره روستای فخر آباد است، که از فعالیت هیئت هفت نفری رضایت خاطر داشت. جعفر قلی میگفت که تقسیم زمین بین دهقانان به تنهایی نمیتواند موجب افزایش محصول و بهبود زندگی دهقانان گردد، بلکه دولت باید در حد امکان خود کمکهای لازم مالی و فنی را در امور کشاورزی به دهقانان بکند. کم آبی از مشکلات مهم روستای فخر آباد است. بعهده جعفر قلی، عضو شورای ده، اگر آب بند محکم بر روی "بند آسیاب فخر آباد" توسط دولت که حتماً با همکاری دهقانان منطقه همراه است، زده شود،

روستائیان فخر آباد از سپاه پاسداران تقاضا کرده اند، تا به آنها آموزش اسلحه بدهد. دهقانان از کار هیئت ۷ نفره رضایت دارند، اما توقع کمکهای مالی و فنی از دولت دارند. در جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار، صدام از بنذل جان دریغ نمی ورزید.

روستای فخر آباد در یوانات فارس واقع است. این روستا در گذشته عرصه تاخت و تاز ملاکین بزرگ بود. بعد از پیروزی انقلاب بزرگ میهنمان و همچنین شکست سیاست فئودالها و زمینداران بزرگ، که در وزارت کشاورزی دولت موقت لانه کرده بودند، طرح انقلابی اطلاعات ارضی به تصویب شورای انقلاب رسید و، دنبال آن، هیئت های هفت نفری روانه روستاهای طاغوت زده میهنمان شدند. هیئت هفت نفری از جمله به روستای فخر آباد آمدند و زمین را میان روستائیان

کوک: اجرای قانون اصلاحات ارضی و تامین وسایل کشت، راه رهایی دهقانان تهیدست از فلاکت

روستای کوک در غرب اتوبان بهشت زهرا به قم قرار دارد. این روستا، که بصورت قلعه ای ساخته شده است، حدود ۳۰ خانوار از مردم محروم را در بر میگیرد. اطراف روستای کوک را زمینهای وسیعی فرا گرفته است، لیکن بعلمت فقدان آب، زمینها بی مانده اند. بهنگام گفتگو با روستائیان زحمتکش، آنان میگویند: "جهت امر را رعاش مجبوریم به شهر برویم، تا شکم زن و بچه های خود را با لقمه ای نان بخور و نمیر، که از راه کاری بدست میآوریم، سیر کنیم. در باره علت بیایمانی روستائیان اطراف روستا میگویند: آب نداریم. اگر چند حلقه چاه داشتیم، میتوانستیم با کشت این اراضی، هم خود را از این فلاکت نجات دهیم و هم در کار توسعه کشاورزی مملکت سهمیم باشیم." روستای کوک فاقد برق و آب آشامیدنی است. روستائیان در این مورد میگویند: "... تاکنون چند بار جهت

دهقانان با اطمینان بیشتری به کشت و کار خواهند پرداخت. این کار در برابر بردن میزان محصول نقش بسزایی خواهد داشت. جعفر قلی از اینکه جهاد سازندگی تاکنون به دهشان سری نزده است، گلّه میکند. زیرا این روستا هم مثل بقیه روستاهای میراث تمدن بزرگ! محمد رفیعی ملعون، فاقد امکانات بهداشتی و درمانی است. روستائیان فخر آباد تاکنون کمکهای زیادی به جبهه جنگ تحمیلی صدام کردند. حدود ۳۰۰۰۰ تومان پول نقد، چند اسگوسفند، حدود ۵۰ هزار تومان گشمش و گندم از کمکهای این روستا به جبهه رسیده است. روستائیان فخر آباد برای پیروزی در این جنگ تحمیلی، از بنذل جان خسود نیز دریغ نمیورزند. این روستائیان از سپاه پاسداران تقاضا کرده اند که به آنها آموزش اسلحه بدهد، که متأسفانه تاکنون اقدام لازم بعمل نیامده است. نمونه فخر آباد هم ثابت می کند که فعالیت هیئت های هفت نفری باید قاطعانه ادامه یابد و تشویق موقتی بندج" به کار انقلابی و موثر هیئت ها کمترین صدمه ای نزنند. سودا انقلاب در این است

آیت الله منتظری: جامعه مسایزمنند به یک انقلاب اقتصادی است. تمام نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه داری و استثمار را باید از بین برد.

نورالدین
کیانوری
پرسش
و
پاسخ



شورا انقلابی خلق قهرمان ما برای مقابله با دشمنان جمهوری اسلامی ایران، بزرگترین وظیفه ناسیونالیسم است

ما خود را در نگرانی های آیت الله منتظری و دیگر مقامات مسئول درباره پی آمدهای ناشی از طولانی شدن جنگ شریک می دانیم

چرا حزب توده ایران نظر خود را در باره برخی از شخصیت ها تغییر داده است؟

ولی این که آیت الله منتظری، که مقام و شخصیتش در جمهوری اسلامی به طور بارز روشن است، به این شکل به طور خطی غلطی مسئله را به این شکل مطرح می کند برای ما هم به طور جدی نگرانی ایجاد کرده است که واقعا چه سیاستی هست؟ آیا علت واقعا عدم امکان، از لحاظ تجمع نیرو، تمرکز و تدارکات است، سستی و تعلل است و یا این که سیاست های معینی مانع پیشرفت است، در هر حال ما معتقد هستیم که به درازا کشیده شدن جنگ بین ایران و عراق، امکانات بیشتری را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار می دهد تا بتواند فشارهای گوناگون دیگری را بر ایران وارد آورد. مثلا این طور که رسانه های گروهی آمریکا خبر می دهند، مشاوران ریگان پیشنهاد کردند که بنادر ایران، از جمله جزیره خارگ، مین گذاری شود، از طرف دیگر کمی دانستم تحریکات عراق در کردستان افزایش یافته است و ضد انقلاب در بلوچستان هم فعالیت های خود را شدت بخشیده است. بدین ترتیب، ارتش مجبور است قدری از نیروهای مسلح و تدارکاتی خود را در این مناطق نگه دارد، از این جهت است که ما هم در این نگرانی آیت الله منتظری و مقامات دیگر مسئول جمهوری اسلامی شریک هستیم و امیدواریم که در روزها و هفته های آینده این مسائل روشن تر بشود و مردم از این نگرانی روزافزون بیرون بیایند.

۲: آیا شما تازه به مبارزه علیه لیبرال ها دست زده اید یا این که آقای مهندس حسابی اخیرا لیبرال شده است؟ چون آقای مهندس حسابی جزو کسانی هستند که شما در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی به آن ها رای دادید.

ج: ببینید، ما دو مسئله را با هم دیگر به هیچ وجه نباید قاطعی بکنیم. این جا مسئله لیبرال شدن یا جریان تبدیل شدن به لیبرال، خم رنگرزی نیست که امروز کسی را بگیرند و او را توی خمره ببندند و او را لیبرالی بگیرد. موضع گیری های سیاسی ما همان طور که گفتیم، در درجه اول، مربوط است به موقع طبقاتی افراد در جامعه. می گویم در درجه اول و نه به طور مطلق، زیرا این طور نیست که افراد به نسبت ارتباط و وابستگی طبقاتی خود همیشه موضع گیری شان هم مانند طبقه های باشد، که از آن برخاسته اند. برای نمونه ما می دانیم که طبقه بزرگ مالک جزو طبقاتی است که مانند سرمایه داران بزرگ در کشورهای وابسته، استعمار زده و نیمه مستعمره جزو همدستان امپریالیسم و استعمار جهانی هستند. ولی در میان این مالکین بزرگ وابسته، عناصری هم پیدا می شوند که دارای موضع گیری ضد امپریالیستی هستند، مثل دکتر مصدق، در این حال که فردی از خانواده اشرافی قدیمی ایران بود و خود بزرگ مالک محسوب می شد، ولی موضع گیری ضد امپریالیستی بگیرد و قاطع دست و پا از راه خود صادر قانه ایستاد و از این جهت هم هنوز فوق العاده مورد احترام مردم ایران است. این پدیده فقط محدود به ایران نیست. در جنبش های انقلابی جهان همیشه عناصر انقلابی بوده اند که از طبقات ستمگر برخاسته اند، ولی به طبقه خود پشت کرده اند و در جهت منافع خلق قدم برداشته اند. عکس آن هم پیدا می شود که افرادی از طبقه کارگر برمی خیزند، که به طور کلی انقلابی است ولی در خدمت دشمنان این طبقه درمی آیند و خود را به آن ها پیروشنند. این گونه کارگرهای خود فروخته هم در ایران هستند و هم در کشورهای سرمایه داری پیشرفته.

به این ترتیب، ما به این مسئله این طور برخورد نکنیم که مایه لیبرال رای دادیم چون آن روز با لیبرال ها موافق بودیم، ولی حالا مخالفیم. مسئله ما این شکل نیست. در آن روزی که به عناصری غیر از حزب توده ایران در انتخابات رای دادیم، این امر بر پایه موضع گیری سیاسی آنها به تناسب شناخت آن روز ما از آنها بود و بر اساس سوابق که آنها داشتند. این که صرفا کسی خود سهمی در کارخانه داشته باشد، حتما به معنای آن نیست که لیبرال باشد. برای این که همان طور که گفتیم خوب، دکتر مصدق می پیدا می شود که آدم خیلی ضد امپریالیستی است، ولی در عین حال مالک بزرگی هم هست. علاوه بر این ما تصمیم خود را همیشه بر پایه شناخت فعلی خود استوار می سازیم. به این ترتیب ممکن است که در آن وقت شناخت ما این بود که مهندس حسابی، با سابقه ای که در زندان داشت و با آشنایی که به روایات او در زندان بوده است، فرد مبارز و ضد امپریالیستی است و می تواند بالقوه در جهت منافع خلق قرار بگیرد. ما با این حساب، یعنی با یک حساب درست منطقی به او رای دادیم و تنها

روز ۱۱ دی ماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی پرسش و پاسخ با حضور رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسش هایی که شرکت کنندگان در جلسه پیرامون مسائل گوناگون مرحله کنونی انقلاب مطرح کردند، پاسخ گفت. بخش اول این پرسش و پاسخ در زیر درج می شود.

۱: با توجه به پیام آیت الله منتظری به روحانیت خوزستان که در آن در مورد امر دفاع کشور ابراز نگرانی شده بود، شما فکر نمی کنید که اختلاف در سطح رهبری موجب کوتاهی و یا تسامح و یا طولانی تر شدن جنگ بشود؟ سؤال دیگر این که جنگ در هفته گذشته از جانب ایران فرسایشی بوده است. آیا لیبرال ها و فرماندهان قوا در این مساله منافی دارند یا نه؟ در صورتی که این امر منفعتی برای آن ها نداشته باشد، می توانیم به حرف مسئولان باور کنیم که این یک تاکتیک برای تهاجم وسیع در آینده است؟

ج: در باره جنگ و اظهار نظرهای گوناگونی که در باره آن شده است، البته ما اطلاع دقیقی از واقعیت صحنه جنگ و وضع نیروهای خودی و دشمن نداریم که بتوانیم تفاوت مشخص و بدون تردید در این زمینه بکنیم. این کار آن نهادی است که در مسائل جنگ و دفاع از کشور مسئولیت دارند، صاحب نظر هستند و اطلاعات دقیق هم از همه جوانب کار در اختیارشان هست. البته این مسئله، این بحث در هفته های اخیر خیلی زیاد شده است، شاید هم علتش این باشد که از طرف فرماندهی کل قوا چندین بار وعده وارد آوردن ضربات متقابل داده شد. همچنین در اخبار و اعلامیه های مختلف هم چنین وعده هایی داده شده است. طبیعی است که چنین وعده هایی همه را در انتظار نگه می دارد. بخصوص آن که، همه مردم علاقمند هستند که هر چه زودتر متجاوزین از خاک ایران بیرون رانده بشوند و به تجاوز دارو دسته صدام حسین ضربه دندان شکنی وارد آید. قهرمانی هایی که مبارزان ایرانی تا کنون در صحنه جنگ نشان داده اند این انتظار را دوچندان می کند. ولی البته این را هم باید در نظر داشت که، از یک سو، در لحظه آغاز جنگ از طرف ایران از نظر تدارکاتی و نظامی آمادگی برای چنین جنگی وجود نداشت و از سوی دیگر، جهت مقابل از مدت ها پیش نقشه چنین تجاویزی را کشیده بود. یعنی یک ارتش متجاوز در لحظه ناگهانی به کشوری حمله کرده است که هیچ گونه آمادگی برای چنین حمله ای نداشته است، ما در این جا در این باره بحث نمی کنیم که عدم آمادگی ایران برای چنین حمله ای جعلی داشت و این مسئله را باز می گذاریم تا بعد از جنگ. برای این که بحث و مسدود معضلی در این زمینه وجود دارد، و می توان انتظار داشت که در آینده یکی از مسائل مهم رسیدگی به عملکرد مسئولان باشد. البته آقای بنی صدر در "کارنامه" خود نظر خود را در باره این عدم آمادگی با صراحت گفته و تقصیر آن را درست به گردن آن گمان و نیروهای انداخته است، که در صحنه سیاسی در مقابل ایشان قرار دارند، البته رسیدگی دقیق و همه جانبه مسئله عدم آمادگی در برابر تجاوز دارو دسته صدام حسین امری است ضروری، که باید زیر نظر مردم انجام گیرد و به هیچ وجه نباید حقایق را از آنها پنهان نگه داشت. ولی به هر حال، این واقعیتی است که ایران فاقد چنین آمادگی بوده است و اگر ما توانستیم که خیلی زود از پیشرفت تهاجم تدارک دیده جلوگیری کنیم، این را مدیون شور انقلابی و عظیم و بی سابقه ای هستیم که همه مبارزان ضد تجاوز آمریکا - صدام با ابراز فداکاری و جانبازی فراوان از خود نشان می دهند.

این که در جریان این جنگ سستی هایی وجود داشته، خیانت هایی وجود داشته و حتما هنوز هم ممکن است وجود داشته باشد، ما این را از زبان نماینده امام در شورای عالی دفاع، آقای خامنه ای، یکی دو بار به طور صریح شنیده ایم. خود رئیس جمهور هم در بعضی از بیانات خود صریح، یا تلویحی از این گونه نقاط ضعف یاد کرده است. حالا حدود این کمبود ها، این ضعف ها، این سستی ها و ضما خیانت ها، چقدر بوده و تأثیر این گونه عوامل درباره عویق حمله متقابل نیروهای مسلح تا چه حد است، در این باره ما به هیچ وجه، با اطلاعاتی که داریم، نمی توانیم تفاوت بکنیم و صحیح هم نیست که تفاوت بکنیم، چون این به معنی حکم از کنار آورد است. این را باید همان طور که گفتیم رسیدگی دقیق نشان بدهد.

هم او نبود. چند نفر دیگری هم بودند که به همین حساب، به آن ها رای دادیم. مثلا به آقای حبیبی در انتخابات ریاست جمهوری، و به عسده دیگری از افراد منتسب به روحانیت مبارز در تهران و در شهرستان ها در انتخابات مجلس. یعنی حساب آن روز ما حساب دقیق، منطقی و صحیحی بود و این آن افراد هستند که با چهره سیاسی خود را تغییر داده اند و یا آن که چهره واقعی شان در آن زمان برای ما مشهود نبود. حتی افرادی هستند که زمانی با ایمان کامل توده ای بودند و بعدها چهره سیاسی شان را عوض کردند و احتمالا هم خائن از آب درآمدند. طبیعی است که برخورد ما با این رفقای سابق هم تغییر پیدا می کند و کسانی را که پیش از این رفیق بودند و رفیق شان می نامیدیم، الان خائن بدانیم. این مسئله ای است که تنها مربوط به سازمان ما نمی شود. مگر همین آقای بازرگان نبود که نمی توانست تا آخرین لحظه دوست عزیز و دیرینه اش، بختیار را فراموش کند و هنوز هم نگفته که او خائن است. خوب، شناخت احزاب و گروه های سیاسی هم به همین ترتیب می تواند تغییر پیدا کند. درست این است که ما در هر لحظه بر اساس شناخت موجود تصمیم بگیریم. نه آن که ادعا کنیم که ما علم غیب می دانیم و از حالا می توانیم بدانیم که فلان کس سه سال دیگر موضع گیری سیاسی خود را تغییر خواهد داد یا نه. این هم درست نیست اگر فهمیدیم کسی که به او اعتماد کردیم و به نفع او رای دادیم حالا پلانش کج درآمده یا جایز را عوض کرده، یا شناخته شده است، حالا برای این که حرف ما بد در نیاید در باره او موضع گیری نکنیم. ما درباره بسیاری از شخصیت های سیاسی ممکن است به تناسب موضع گیری های خود آنها چندین بار تغییر موضع بدهیم. ما نمونه افرادی را داریم که بر خورد اول ما نسبت به آنها خیلی منفی بود و بعد در نتیجه تغییر مبنی که در سیاست آنها عملی دیدار شد، ما موضع خود را نسبت به آنها تعدیل و یا تغییر دادیم. مگر تا کنون کسی انقلابی تری از لنین سراغ داریم؟ خود لنین چندین بار برخورد سیاسی خود را با "اس. آر. ها" و تروتسکی، به نسبت عملکرد سیاسی آنها تغییر داد.

به این ترتیب ما فکر می کنیم در این زمینه اشتباه نکردیم. دوستان ما باید این را عمقا درک بکنند که دیگر این سؤالات برای شما مطرح نشود. حزب روی این برداشت هست که همیشه موضع گیری خود را نسبت به شخصیت ها و جریان های سیاسی، مشخص می کند. مسئله ای که برای دیگران هم همین طور مطرح است. مثلا به موضع گیری های سازمان چریک های فدایی خلق "اکثریت" در سال پیش نگاه کنید. به عقیده های سازمان در سال پیش، "گومله" و "بیکار" و "خط چهار" و "دمکرات" های طرفدار فاسلوه همه "انقلابی" بودند و فقط با آن ها می شد همکاری کرد، در حالی که حزب توده ایران و تمام روحانیت مبارز، خارج از صف انقلاب بودند، و عوامل امپریالیسم حسابی شدند! خوب، حالا کار به جایی رسیده است که این سازمان به مجاهدین نامه سرگشاده می نویسد، مابین موضع گیری را درست می دانیم، و این تغییر را مثبت می شمیریم. و از آن استقبال هم می کنیم. چریک ها در این نامه بخصوص به اشتباهاتی که در گذشته کرده اند با کمال روشنی و صداقت اعتراف کرده اند. این نشانه خیلی مثبتی است. ما موضع خود را در برابر لیبرال ها در گزارش پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی با تمام صراحت اعلام کردیم و گفتیم که این ها از انقلاب روی گردان خواهند شد و حتما به طرف همکاری با ضد انقلاب خواهند رفت. ما خاطرنشان ساختیم که این پدیده، پدیده های اجتناب ناپذیر است و آن را با قاطعیت کامل پیش بینی کردیم.

به این ترتیب، وقتی که ما برنامه جبهه متحد خلق را مطرح کردیم، در عین حال گفتیم که لیبرال ها در این جبهه باقی نخواهند ماند و به این جبهه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی که زمانی در آن شرکت داشتند، پشت خواهند کرد. خوب، ما در آن جا نسبت به شخصیت های معینی شناخت نادرست داشتیم، این شناخت های نادرست حتی در جهت مخالف هم بود. یعنی کسانی که ما در آن تاریخ خیال می کردیم منفی هستند، بعد در تجربه معلوم شد که نه، آن ها مثبت هستند. این که حزبی درباره افراد اشتباه ارزیابی بکند غیر عادی نیست. آن چه خطرناک تر است، آن است که درباره نقش طبقات و جریان های سیاسی دچار اشتباه شویم و ما خوشبختانه در این زمینه در دوران انقلاب دچار اشتباهی نشده ایم و برعکس ارزیابی هایمان در همه این موارد درست از آب درآمده است.

نامه دوازدهم



اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محترک است

مؤید تابوت «ایران گرا»

مستکبران داخلی، عمال امپریالیسم اند

در مطبوعات کشور

ناسیونالیسم، برای مستکبران و خادمان ایشان، نقش عظیمی دارد. اما این نقش عظیم چندان از دایره تربیت اکثریت مستضعف ملت تجاوز نمی کند. آرزوی ملی گرایان این است که اکثریت ملت به نام ناسیونالیسم، و به خاطر افتخارات "ملی" فداکاری کند، ولی خودش چیزی نخواهد تا همه منافع، یا بخش اعظم آن در میان مستکبران تقسیم شود. چنین

است که ملی گرایان همه تلاش خود را به کار می برند تا مبارزه ضد امپریالیستی را مخ، و از سرخود محرف نمایند. و از محتوی خالص سازند. هدف آنان این است که، مبارزه بر ضد امپریالیسم خارجی، با مبارزه بر ضد مستکبران داخلی توأم نشود، یعنی همان مبارزه بر ضد امپریالیسم خارجی سیر در حد حرف و شعار باقی بماند. مستکبران داخلی،

از گس هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا...

بقیه از صفحه ۴

خود زانست به حزب از دست دادند؟ تنها پاسخ صحیح به این سؤال می تواند به برقراری این اعتماد کمک کند و نه تغییر و تبدیل برخی شخصیت های مهم.

حال چه باید کرد؟

تربیت جامعه سوسیالیستی آن است که وسیله و ساختار آن را دارد

که خود به اصلاح انشعابات و رفع کاستی های گذشته بپردازد. علت آن است که روابط میان کارگران، حزب، سندیکاهای کارگری و دولت، بر پایه تضادهای ذاتی استوار نیست، زیرا که این مناسبات ماهیت روابط میان کارگر و کارفرما را ندارد و ادامه ساختمان سوسیالیستی به سود همگان است.

ایدئولوژی های سرمایه داری این آرزو را، که کارگران و مردم لهستان از سوسیالیسم رویگردان خواهند شد،

به گور خواهد برد لهستان در آستانه خواهد کرد. ولی تنها یک اشتباه غیر ممکن است، و آن انحراف از راه رشد سوسیالیستی است.

تکی نیست که اعصاب لهستان بدیده ای منفی بوده است. اما خادمان باید بود که حزب، رهبران سندیکاهای کارگری و دولت نتایج گیری مناسب را از آنها کرده اند.

در لهستان سرانجام سوسیالیسم است که پیروز خواهد شد! پایان

بازرادخانه هنر، جنگ علیه امپریالیسم امریکارا تشدید کنیم

طلسم هنر هم باطل شد!

حجت الاسلام موسوی تبریزی در مراسم ۲۸ صفر در قزوین:

امریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است

مردم قزوین: ما در جنگیم با شیطان، چه با کارتر چه ریگان
حجت الاسلام موسوی تبریزی، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی، روز ۱۵ دیماه ۵۹، ضمن تظلم در اجتماع مردم قزوین به مناسبت ۲۸ صفر، تصریح کرد که:

«آمریکا دشمن اصلی اسلام راستین و انقلاب ماست.»
حجت الاسلام موسوی تبریزی، که در مقابل گروه کثیری از مردم قزوین سخن می گفت، پس از تصریح این نکته اضافه کرد: «اما عده ای هستند که بنام امام علیه ام و بنام اسلام علیه اسلام و بنام آزادی علیه آزادی کار می کنند. شناخت اینها مشکل است.»

وی آنگاه چنین ادامه داد: «در جامعه ما ۴ منطبق وجود دارد: یکی این منطبق است که می گوید دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با گرفتن جاسوسخانه به ایران خیانت کردند، ما را منزوی کردند، موجب شدند که امریکا و اروپا ما را محاصره اقتصادی کنند. اینها حتی تجاوز اخیر به عراق و توطئه های امریکا را به حساب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام می گذارند، منطق دیگر منطق امام است. وقتی که دانشجویان ما جاسوسخانه را گرفتند، امام اعلام کرد که این انقلابی بزرگتر از اول است و ما منزوی نیستیم. ملت ایران این ۴ منطق را ببینند و قضاوت و مقایسه کنند.»

حجت الاسلام موسوی تبریزی در بخش دیگری از سخنان خود، به گروهی که داد «آزادی» نیست را سر داده اند، اشاره کرد و گفت: «درحالیکه ما محاصره اقتصادی شده ایم، در حالیکه با امریکا در جنگ هستیم، در حالیکه چند کیلومتر از خاک ما، مورد تجاوز قرار گرفته است، در حالی که هنوز پرونده های کودتاگرانی که می خواستند در عرض چند ساعت چند میلیون نفر، از جمله امام را بکشند، تحت بررسی است، در حالی که ستون پنجم شدیداً فعال است، عده ای در این شرایط شعار آزادی می دهند، یا «شعار می دهند که زندان نباید باشد!»

وی خاطر نشان ساخت که همه خواهان این مسائل هستند، ولی در صورتیکه تمام ارکان انقلاب مستحکم شده باشد.

حجت الاسلام موسوی تبریزی در پایان سخنان خود، خواهان وحدت بیشتر مردم شد و با شعار «همه باید متحد شویم» سخنان خود را پایان داد.

پس از پایان سخنان حجت الاسلام موسوی تبریزی، مردم قزوین طی یک راهپیمایی و با شعار:

ما در جنگیم با شیطان چه با کارتر چه ریگان
جنازه ۲ شهید از لشکر ۱۶ زهی قزوین را، که اهل تبریز بودند، بسوی زادگاهشان تشییع کردند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

امید که در روزهای آینده شاهد مراحل نهایی شکست و طرد متجاوزان مزدور باشیم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران خطاب به کلیه رزمندگان انقلاب در جبهه، به مناسبت پیروزی اولین مرحله تهاجم بر دشمنان متجاوز، پیامی فرستاد. در پیام رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به اینکه، تهاجم نیروهای انقلاب «به انتظار شدید همراه با تکرانی مردم

حمله ای که شد...

بقیه از صفحه ۱
نداشت، اما مواضع دفاعی اش خوب و مستحکم بود. لکن حمله امروز مواضع تدافعی دشمن را تقریباً بکلی در این قسمت جنوب

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه ۳۶۳ خود، که دیروز انتشار یافت، تازه ترین خبرهای مربوط به نتیجه حمله تهاجمی وسیع نیروهای مسلح انقلاب علیه متجاوزین صدام را اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

«سپاه اسلام در پی پیروزیهای قبلی، ضربات قاطع دیگری در روز جاری، (۱۶ دی)، در منطقه اهواز به دشمن کافر وارد ساخته است. در حملات انجام شده،

«باید او را بر خیزاند!» باید قلم و قلمو را در جوهر و رنگ نفرت میلیونی مردم فرو برد و قلب دشمن را نشانه گرفت. باید کتون عدسی دوربین فیلمبرداری را با مرکز کینه ۲۵ ساله این مردم میزان کرد و از دریچه آن سیل خونبایی را که بر زمین این مرز و بوم جاری ساخته، بسوی پایه های لرزان «کاخ سفید» روان ساخت. باید «صحنه» را به مجلس ترجمیم امپریالیسم تبدیل کرد. باید پایبای پاسداران انقلاب، انقلاب را پاس داشت.

حزب توده ایران، که همواره در صف اول مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی امریکا، از همه توش و توان انقلابی خود مایه گذاشته، این بار نیز از هنرمندان توده ای و تمامی هنرمندانی که به پاروری هرچه بیشتر و تعمیق این انقلاب دل بسته اند، می طلبد که به دعوت حجت الاسلام خامنه ای پاسخ مثبت گویند و «هنر ارزشمند خود را در خدمت تداوم این انقلاب قرار دهند.»

دوستان و رفقای هنرمند!
ناگفته پیداست که امپریالیسم امریکا، این نمک چشته ایران، به هیچ قیمتی، داوطلبانه از سر سفره رفیقین ایران بر نمی خیزد.

جمهوری اسلامی ایران.

متأسفانه علیرغم تجارب تلخ و پربار گذشته، هنوز برخی از نیروها چشم بر واقعیت نکشوده اند و دام خلیفانک ضدانقلاب را تشخیص نمیدهند و در ورای جنایت خیابان مبارزان و رشت، توطئه ضدانقلاب را در تحریک آنها علیه جمهوری اسلامی ایران، نمی بینند.

ما از همه نیروهایی که خود را به انقلاب وفادار و علاقمند می دانند، از مجاهدین خلق، از مسئولین جمهوری اسلامی ایران، از مردم قهرمان ایران، مصرانه می خواهیم که از دام توطئه ضد انقلاب و گروهکهای مائوئیستی، با تمام قوا احتراز کنند و آرامش را، که حفظ آن برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران حیاتی است، تامین و تحکیم کنند. از آب گل آلود شده فقط و فقط ضدانقلاب بهره می گیرد. این هشدار را بخاطر بسیاریم.

یک منبع موقت در اهواز گزارش داد:

«نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، متشکل از برادران ارتشی، پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای نامنظم، در نخستین مرحله حملات تهاجمی خود، تمام واحدهای زرهی مزدوران صدام مستقر در منطقه بسالای کرخه کور را منهدم کردند. تعداد تلفات نیروهای خودی در این عملیات بسیار اندک گزارش شده است.

آخرین خبرها
یک منبع موقت در ستاد جنگ آبادان اظهار داشت که: «در حمله پیروز (۱۵ دی) ۲ تیپ از نیروهای عراقی منهدم و ۱۷۰۰ اسیر و صدها تانک، خودرو و نفرین عراقی به دست نیروهای اسلام افتاده است.»

صلابت مردم زحمتکش شد. و اینک در پایان شب، هنگامی که افسون طلسم از هم می پاشد، آنچه توده مردم به آن نیاز دارد، هنری بسیجنده، نیرو ده، امید بخش و پیکارجوست، که با دم مسیحانیش در کالبد کینه ۲۵۰۰ ساله شان بدمد و آنان را علیه هرچه ظلم و بیدادگری است، بشوراند.

انقلاب شکوهمند مردم ایران، عهده دار ترویج چنین هنری است و هنرمندان انقلابی ما وظیفه مند تحکیم و تعمیق آن هستند، بویژه در این شرایط حساس و تعیین کننده. که امپریالیسم امریکا به تشنج جنون قبل از مرگ مبتلا شده و، بقولی، خون جلوی چشمهایش را هم گرفته است!

رزمیدن در جبهه جنگ و با وسائل و ابزار جنگی، علیه این دشمن مار خورده اقمی شده، به تنهایی کافی نیست. باید تمامی جبهه ها را علیه او گشود و از تمام امکانات موجود بهره برد. و گسترده ترین عرصه ای که میتواند در این کارزار وسیع خدمت کند، عرصه بیکران هنر است و یکه تاز متعهدش هنرمند، که چون سربازی

درباره تشنج و درگیری اخیر در گیلان ضد انقلاب آب را گل آلود میکند!

ضد انقلاب باز هم در رشت حادثه آفریده، شهر را به کام تشنج کشید و بر گیلان گرد اضطراب و نا آرامی پاشید. فاجعه ای که در روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۵۹ در رشت رخ داد و به قتل یک فروشنده «مجاهد» انجامید، واقعه تازه ای نیست. ضد انقلاب از فریاد انقلاب تاکنون، به اپتکونه جنایات دست بسیار آلوده است. آنچه به این واقعه اهمیت خاص می بخشد و تعمق برمی انگیزد آنستکه، فاجعه فوق و درگیریهای گسترده پس از آن، با تفاوت در شکل حادثه، همواره پیش از هر توطئه براندازی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، به مرحله اجرا در آمده و بویژه شهرهای گیلان را به صحنه درگیری میان گروههای مردم بدل کرده است. در روز-

های پیش از توطئه طلسم، کودای ۱۸ تیر و یورش لشکر صدام حسین به میهن انقلابی ما این سناریو تمام و کمال به اجرا درآمد و عرصه کشور و از جمله شهرهای گیلان به صحنه تحریکات ساواکیها و مائوئیست های ضد انقلابی، تبدیل شده بود.

متأسفانه ضد انقلاب همواره با استفاده از ضعفها و نا آگاهیهای برخی از گروههای انقلابی، ولی اشتباهکار، ناپخته و سردرگم به این هدف دست یافته است. روش عمل یکسان است: ضد انقلاب در پی تحریک حساب شده به گروه های فوق الذکر یورش می برد، دفتر، یا اغشا و هواداران آنها را مورد حمله قرار میدهد و گاه دست به جنایت نیز می زند. این اعمال معمولاً کمتر

نفر از افراد ارتش مزدور عراق که به اسارت درآمده اند، شناسایی و شمارش شده و به بازداشتگاه تحویل شدند. کار شمارش، شناسایی و تحویل بقیه افراد اسیر شده به بازداشتگاه، همچنان ادامه دارد. همچنین ارتش ایران در عملیات دیروز خود ضایعات بسیاری بر دشمن وار ساخته و بخشی از آن که تاکنون گزارش شده، چنین است: ۴۵ دستگاه تانک، ۳۵ دستگاه خودرو، ۱۵ دستگاه موشک و ۳ فرزند هلیکوپتر دشمن متجاوز منهدم و نابود شده است و تعداد ۱۵ دستگاه جیب، ۴۵ دستگاه انواع مختلف خودرو، ۱۰ دستگاه نفرین زرهی، مقادیر زیادی مهمات و تعداد قابل ملاحظه ای تجهیزات و وسایل افرادی به غنیمت گرفته شده است.»

نیروهای مسلح...

بقیه از صفحه ۱
وارد آوردند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۶۱ خود، شرح عملیات گسترده تهاجمی روز دوشنبه ۱۵ دیماه ۵۹ در منطقه اهواز را، که با هماهنگی کامل نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران، و نیروهای بسیج مردمی انجام گرفت، اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «بر اثر گزارشات تأیید شده ای که تا ساعت ۲۲:۴۵ دیروز، ۱۵ دیماه، واصل شده است، در این عملیات، ارتش مهاجم عراق ۲۰۰ کشته و ۴۵ مجروح، به جای گذاشته است. و تاکنون ۵۰۰



آمریکا و چین، پاکستان را مسلح میکنند

آمریکا به چین سلاحهای تعرضی خواهد داد.

آمریکا و چین سرگرم تدارک توطئه‌های هستند که متوجه هندوستان و دیگر کشورهای آسیا است. روزنامه نیشن هرالد تریبون، چاپ دهلی نو، ضمن اعلام این خبر، نوشت: «آمریکا و چین با مسلح کردن پاکستان تلاش میکنند که از آن برای مقاصد تجاوزکارانه خود استفاده کنند و در نزدیکی خلیج فارس مواضع استراتژیکی مناسبی برای خود تأمین نمایند.»

چین ۲۰۰۰ نفر را برای خرابکاری در لاوس مسلح کرد

چین خرابکاران و تروریست‌ها را برای فعالیتهای تخریبی در لاوس تعلیم میدهد و مسلح میسازد. رهبر این تروریست‌ها، که خود را ژنرال «چامپا» می‌نامد، در یک مصاحبه با خبرنگاری فرانسه در بانکوک ضمن تأیید این خبر، گفت که تنها طی ماههای اخیر، نزدیک به دوهزار نفر از اقلیتهای ملی لاوس در ایالت یوانان چین تربیت و آماده شده‌اند، تا در لاوس به خرابکاری بپردازند.

۷۰ درصد بر بودجه نظامی ژاپن افزوده شد

هیئت حاکمه ژاپن، زیر فشار امپریالیسم آمریکا، ۷۰ درصد بر بودجه نظامی کشور افزود. محافل حاکمه ژاپن برای توجیه این اقدام باز دستاویز کهنه و رسوای «خطر شوروی» را علم کرده‌اند، ولی واکنش محافل ترقی‌خواه کشور نشان داد که این دستاویز هیچکس را فریب نداده است.

بودجه نظامی ژاپن در حالی افزایش می‌یابد که اوضاع اقتصادی کشور رو به وخامت می‌رود و زحمتکشان بیش از پیش زیر فشار قرار می‌گیرند. تورم، بیکاری و ورشکستگی شرکتهای ژاپنی هر روز ابعاد بیشتری بخود می‌گیرد.

در سال جاری نرخ تورم به ۸٫۴ درصد رسید. شمار بیکاران به یک میلیون و دو صد و ده هزار نفر رسیده است و ۱۸ شرکت در سال ۱۹۸۰، ورشکست شده‌اند.

بدینسان، مردم ژاپن در سال ۱۹۸۱، با چشم‌انداز تیره‌تری روبرو هستند.

امکان مداخله نظامی گسترده‌تر آمریکا در السالوادور

در حالیکه نیروهای انقلابی السالوادور هر روز مواضع تازه‌ای را بدست می‌آورند، سه تن از کارکنان پرسنل وابسته نظامی آمریکا در سان‌سالوادور، در یک مصاحبه مطبوعاتی، اعلام کردند که امکان مداخله گسترده‌تر نظامی آمریکا در السالوادور وجود دارد.

شمار کسانی که از اسرائیل مهاجرت می‌کنند، هر ساله افزایش می‌یابد

به گزارش رسانه‌های گروهی غربی، شمار کسانی که از اسرائیل به خارج مهاجرت می‌کنند، سال به سال افزایش می‌یابد. تنها در سال ۱۹۸۰، شمار کسانی که از اسرائیل به خارج مهاجرت کردند، ۳۲ هزار نفر بیشتر از کسانی بود که به این کشور مهاجرت کردند. ناظران در اسرائیل عقیده دارند که تورم لجام‌گسیخته، پایین آمدن سطح زندگی زحمتکشان و بی‌ثباتی ناشی از سیاستهای تجاوزکارانه رژیم تل‌آویو، از دلایل اصلی فرار اسرائیلی‌ها به خارج است. تورم در اسرائیل، در سال جاری به صد و هشتاد درصد رسیده است.

بمناسبت یکمین سالگرد روز پیروزی خلق کامپوچیا - آزادی کامل پنومپن (۱۷ دی ۱۳۵۸)

سیاست خارجی کامپوچیا،

سیاست صلح و دوستی با خلقها



پنومپن: جشن تاسیس یک مدرسه تازه. بیشتر کودکان برای اولین بار به مدرسه می‌روند.

«شورای انقلابی خلق»، یگانه نماینده قانونی کامپوچیا، انقلابی، خواهان برقراری فوری روابط حسن همجواری و دوستی با خلقهای ویتنام، لاوس، تایلند و دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا شد. این شورا همچنین تمایل خویش را به استقرار مناسبات دوستانه با همه کشورهای برپایه اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و تحکیم همبستگی با کشورهای نواستقلال، اردوگاه، سوسیالیسم و جنبشهای آزادیبخش ملی بیان داشت. از این روست که در بیانیه «جبهه متحد نجات ملی خلق کامپوچیا»، همخوان با خواست‌ها و منافع اساسی مردم و همساز با سیاست جنبش عدم تعهد، اعلام گردید که کامپوچیا در هیچ پیمان نظامی شرکت نمیکند، اجازه تاسیس پایگاههای نظامی را به هیچ کشور نمی‌دهد و با تبدیل کشور خود به زرادخانه و بهره‌برداری از آن بعنوان پایگاه تجاوز و دخالت در امور دیگر کشورها، قاطعانه مخالفت می‌ورزد.

بر اساس این سیاست روشن و اصولی، «شورای انقلابی خلق کامپوچیا»، یگانه بیانگر قانونی منافع خلق کامپوچیا، خواهان پایان بخشیدن به هرگونه بحث پیرامون «مسئله کامپوچیا» در شورای امنیت سازمان ملل متحد است، زیرا این امر در سرشت خود نه تنها دخالت مستقیم در امور داخلی یک دولت مستقل محسوب می‌گردد، بلکه نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد است. کامپوچیا همچنین خواهان اخراج نمایندگان رژیم واژگون‌شده پول‌پوت و واگذاری کرسی آن به نمایندگان راستین مردم ستمدیده کامپوچیا است.

علیرغم تمام این تحریکات، اعتبار بین‌المللی جمهوری خلق کامپوچیا بطور فزاینده‌ای رشد و تعالی می‌یابد. کامپوچیا تاکنون از جانب ۳۰ کشور به رسمیت شناخته شده است، که در بین آنها شمار چشمگیری از کشورهای غیرمتعدد و از آن جمله هند به چشم می‌خورد.

در این دوران اوجگیری مبارزات ضد امپریالیستی و گشایش فصل نوینی در عرصه سیاست خارجی کشور ما، در شرایطی که مردم ایران برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، خصم مشترک خلقها، بنا خاسته‌اند. همخوان با منافع و مصالح مبین انقلابی ما و کامپوچیا، که دوران سازندگی و مبارزه سرنوشته ساز ضد امپریالیستی را از سر می‌گذرانند، شایسته است که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، بخاطر نزدیکی با دوستان راستین انقلاب، حکومت برخاسته از بطن مبارزات انقلابی مردم کامپوچیا را، که یوغ خودکامکی را پس‌رانده‌اند، به رسمیت بشناسد.

در ۱۷ دی ۱۳۵۸، «شورای انقلابی خلق کامپوچیا» قدرت را در کامپوچیا بدست گرفت. اینک با گذشت یکسال از سرنگونی رژیم خونبار پول‌پوت - ینگ‌ساری، که دزخیم ۳ میلیون انسان بی‌گناه بود، توسعه‌طلبان چینی، به دستگیری امپریالیسم آمریکا و دست‌نشاندها خود، توطئه‌ها و تحریکات تبلیغاتی و نظامی وسیعی را آغاز کرده‌اند. چین و آمریکا با حمایت از تحریکات مسلحانه تایلند، مسلح‌ساختن ضدانقلابیون و دامن‌زدن به هیاهوی تبلیغاتی درباره باسطلاح تجاوز ویتنام، برای حفظ کرسی نمایندگان حکومت سرنگون‌شده پول‌پوت - ینگ‌ساری در سازمان ملل متحد تلاش می‌ورزند.

انقلاب ظفرنمون کامپوچیا حصارانزوا را درهم شکست و کامپوچیا نوین را به آغوش جامعه جهانی بازگردانید. ولسی برتری‌طلبان چین بیدرتک نمایش مضحکی را در سازمان ملل متحد به اجرا گذارند. نمایندگان رژیم پول‌پوت - ینگ‌ساری، که پایه‌های حکومتشان بدست مردم فروریخت و دیگر نماینده کسی جز خودشان نبودند، درخواست تشکیل فوری شورای امنیت برای بررسی رخدادهای کامپوچیا را ارائه دادند، که با حمایت گرم و پرشور چین و آمریکا روبرو گردید. از این طریق، این دوهم-پیمان، با دخالت در امور داخلی یک کشور مستقل، مانع از رادافتن نمایندگان راستین و قانونی خلق کامپوچیا به سازمان ملل متحد شدند.

این اقدام مزورانه از جانب امپریالیسم آمریکا زمانی صورت پذیرفت که یک سال پیش از آن، در ۲۳ مرداد ۱۳۵۷، ایالات متحده مراتب فناخسندوی و فکرائی خود را نسبت به انسان کشی در کامپوچیا تسلیم کیسیون حقوق بشر سازمان ملل‌ساخته و کارت، رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز در یکی از سخنرانی‌های خود «تگرانی دولت ایالات متحده را از بیدار ترور در کامپوچیا» و معرفی رژیم پول‌پوت بعنوان «شوروتترین نقض‌کننده حقوق بشر در جهان» ابراز داشته بود.

امپریالیسم آمریکا و برتری‌طلبان چین با اتخاذ چنین موضعی، قطع نظر از منافع مشترک، هدفهای خودخواهانه‌ای را نیز دنبال می‌کنند. هر دو کشور از رخدادهای دیگر گونسازی که در راستای تحکیم بنیانهای دمکراسی و ترقی اجتماعی در کامپوچیا صورت می‌پذیرد، ناخشنودند. ریشه‌های ناخشنودی امپریالیسم آمریکا را در شکست سیاست تجاوز و غارت در ویتنام، لاوس و کامپوچیا؛ و ازسوی دیگر در فقدان اهرمی برای بی‌اعتبار ساختن سوسیالیسم باید جستجو کرد، از آن رو که رژیم ددمنش پول‌پوت آماج خوبی برای حمله بسوسوسیالیسم بود.

نارضائاتی چین نیز در چهارچوب آمال سیاسی - نظامی دور رس و استراتژیک آن قرار می‌گیرد. نقشه محاصره ویتنام سوسیالیستی و دستیابی به خلیج سیام با شکست روبرو گردید. آرزوی آزمندانه یکن برای تبدیل ویتنام به سرپل توسعه طلبی، بخاطر چنگ‌انداختن به سرزمین‌های آسیای جنوب شرقی، همانند حبابی محو شد. برای آنکه ابعاد و اهداف دخالت چین در کامپوچیا و بهره‌جویی از خاک کامپوچیا بعنوان پایگاه تجاوز به ویتنام را روشن سازیم، کافیت بگوئیم که ۲۰۰۰۰ «کارشناس» دست‌آموز چینی در رژیم پول‌پوت حضور داشتند.

امپریالیسم آمریکا، چین و دست‌نشاندها، در قبال فاجعه خلق کامپوچیا، با تلاشی تب‌آلود از بدیروقت هرگونه مسئولیتی شانه تپی می‌کنند و تاکتیکیهای

مرسوم خود را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیکیری می‌کنند. آنها بویژه کشورهای «جهان سوم» را، که بسیاری از آنان از دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های کامپوچیا درک روشنی ندارند و از سرچشمه خطر اصلی در جنوب شرقی آسیا بی‌اطلاعتند، تحت فشار قرار میدهند. سرشت این خطر مهم در تجاوز چین به ویتنام و تهدیدهای مکرر چین علیه ویتنام، در پشتیبانی یکن و امپریالیسم آمریکا از گروه‌های تروریستی رنگارنگ، اعمال فشار و باج‌خواهی از کشورهای «آستان»، بی‌اعتنایی به «آزمون» پول‌پوت و سرنوشته خلقها و روند تشنج - زدایی و خلع سلاح نهفته است.

بر این بنیان، برتری‌طلبان چین به دسته‌های خرابکار پول‌پوت بعنوان اهرم تحقق بخش آمال توسعه‌طلبانه خود می - نگرند، و در تلاش هستند تا خاک تایلند را به پایگاهی برای «جنگ چریکی» علیه کامپوچیا تبدیل کنند. افزون بر آن، نقش مخرب و جنگ‌افروزانه تایلند، با توجه به حاکمیت سراپا وابسته آن به امپریالیسم آمریکا، شایان توجه جدی است. ازسوی، ضدانقلابیون پول‌پوتیست با برپایی کانونهای آموزش خرابکار در مناطق مرزی تایلند، به تجاوز و ویرانگری دست می‌زنند. از سوی دیگر، تایلند با پایمال ساختن حق استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت کامپوچیا، با شلیک‌های پیاپی توپخانه‌اش، مناطق مرزی کامپوچیا را زیر آتش می‌گیرد. همچنین از طریق راندن اجباری ۴۷۰۰۰ پناهنده از مرزهای مین‌گذاری شده، در هنگام بارانهای موسمی، و زیر چتر حمایت آتش توپخانه تایلند، ضدانقلابیون پول‌پوتیست درصدد راه‌گشایی به کامپوچیا هستند.

هم‌اکنون هزاران مستشار نظامی چینی برای تعلیم ضدانقلابیون مورد پذیرایی تایلند قرار می‌گیرند و در همان حال این کشور از پذیرش هرگونه دعوت برای حل عادلانه و پایان بخشیدن به درگیری‌های مرزی سر باز می‌زند.

چندی پیش وزیران خارجه لاوس، ویتنام و کامپوچیا، به پیروی از سیاست صلح‌جویانه‌اش، در اولین گام، پیشنهاد ایجاد یک منطقه غیرنظامی در هر دو سوی مرز تایلند و کامپوچیا را ارائه دادند. ولی تایلند ضمن رد این پیشنهاد سازنده، که بسود کاهش وخامت در منطقه و بسود مردم هر دو کشور بود، اعلام داشت که ایجاد این منطقه غیرنظامی تنها باید شامل کامپوچیا گردد.

بجاست که در فراسوی این تحریکات محافل امپریالیستی و مائوئیستی، به واقفیت مستگیری سیاست خارجی صلح‌جویانه دولت انقلابی خلق کامپوچیا که بیگانه از هر ماجراجویی و وخامت‌فزایی، خواهان صلح و امنیت پایدار در منطقه و جهان است، نظری بیافکنیم؛ بیدرتک، پس از پیروزی انقلاب،

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 413 7 January 1981

Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹ منطقه ۱۴ پستی تهران